

عطای آنلاین

دفترچه راهنمای

# یادگیری زبان انگلیسی

FIRST EDITION

نویسنده: علی اکبر عطایی  
مدرس زبان انگلیسی

دفترچه راهنمای  
یادگیری زبان انگلیسی

نویسنده: علی اکبر عطایی

**دفترچه راهنمای یادگیری زبان انگلیسی** بصورت کاملا رایگان برای کمک به زبان دوستان و زبان آموزان عزیز ارایه شده که یادگیری صحیح و اصولی زبان همیشه برایشون مشکل بوده. در نوشتن مطالب و محتوای این کلاس سعی کردم مطالب به عمومی ترین شکل ممکن نوشته بشه تا هر کسی در هر سطح، هر سن، هر آموزشگاه، هر استاد و هر جایی که هستند بتونن نهایت استفاده رو از این کتاب ببرن.

همچنین در محتوای این کتاب هیچ اشاره ای به کلاس ها و دوره های زبان انگلیسی خود من نشده تا این کتاب عمومیت خودش رو بتونه حفظ کنه و با هدف تبلیغ و منفعت شخص نویسنده یعنی من نوشته نشده باشه و فقط و فقط منفعت خواننده در نظر گرفته بشه تا بهترین تصمیم رو بر اساس اصول بگیره.

هیچ قسمت از این دفترچه راهنما دارای کپی رایت نیست و هر کسی میتونه به هر شکلی از محتوای این دفترچه راهنما بصورت رایگان برای اهداف آموزشی استفاده کنه.

این نسخه رو که شما میخونید ویرایش شماره ۱ دفترچه راهنمای یادگیری زبان انگلیسی هست که در آذر ماه ۱۴۰۲ منتشر شده. سعی من این هست که بر اساس سوالات خوانندگان عزیز محتوای این کتاب بعد از مدتی به روز رسانی بشه و شما همیشه میتونید که آخرین نسخه رو از سایت عطایی آنلاین به آدرس زیر دانلود کنید.

با احترام فراوان  
علی اکبر عطایی

## فهرست مطالب

4	فهرست مطالب
6	مقدمه
	<b>فصل اول: چرا زبان انگلیسی یاد نمیگیرم؟</b>
8	آقا وقت ندارم کلاس برم، وقت!
11	آقا اصلا انگیزه یادگیری زبان ندارم!
16	آقا اصلا استعداد ما تو یادگیری زبان صفره!
18	اون موقع که باید زبان یاد میگرفتیم نگرفتیم!
21	تو پولش رو بده من میرم کلاس!
27	آموزشگاه خوب معرفی کن من میرم!
28	مگه خودم اینجوریم؟ توی خونه یاد میگیرم!
	<b>فصل دوم: پروسه اصولی ثبت نام در کلاس زبان</b>
32	قدم اول: پیدا کردن زمان
34	قدم دوم: پیدا کردن کلاس مناسب
37	قدم سوم: درک مسیر درست یادگیری
43	قدم چهارم: ثبت نام
	<b>فصل سوم: انواع کلاسهای زبان انگلیسی</b>
46	کلاس حضوری گروهی
48	کلاس حضوری خصوصی
49	کلاس آنلاین گروهی
50	کلاس های از پیش ضبط شده
4	دفترچه راهنمای یادگیری زبان انگلیسی

### فصل چهارم: کارهایی که نباید انجام بدید.

- 51 خودتون رو با دیگران مقایسه نکنید.  
52 از خودتون انتظار زیاد نداشته باشید.  
53 از منابع خارج کلاس استفاده نکنید.  
56 جمله حفظ نکنید  
57 سر کلاس یادداشت برداری نکنید.

### فصل پنجم: کارهایی که باید انجام بدید.

- 59 به مدرس زبان خودتون اعتماد داشته باشید.  
60 بصورت منظم در کلاس شرکت کنید  
62 بصورت منظم تمرین انجام بدید  
64 به اندازه کافی وقت برای تمرین اختصاص بدید  
66 تلفظ صحیح کلمات رو یاد بگیرید  
67 لغت رو بصورت طبیعی یاد بگیرید.

### فصل ششم: بعد از پایان کلاس زبان

- 69 بعد از پایان دوره باید چکار کنم؟  
71 گرفتن مدرک زبان  
73 فیلم انگلیسی ببینید  
74 پادکست گوش بدید  
75 سخن آخر

شاید اغراق نباشه که بگم توی این ۱۷ ۱۸ سالی که از تدریس زبان انگلیسی من میگذره بیشترین سوالی که ازم شده اینه که "چرا من انگلیسی یاد نمیگیرم؟"

اوایل برام عجیب بود که چرا این سوال مطرح میشه ولی کم کم متوجه شدم که اکثرا راه درست یادگیری زبان انگلیسی رو بلد نیستن. یعنی اکثر آدمای فکر میکنن صرفا نام نویسی توی یک کلاس زبان کافی هست و اشتباه بزرگ همینجاست. دلیل اصلی اینکه ۹۹٪ زبان آموزان انگلیسی رو یاد نمیگیرن اینه که صفر تا صد یادگیری رو در ثبت نام در یک کلاس میدونن و انتظار دارن که صرفا با کلاس رفتن بتونن زبان انگلیسی رو کامل یاد بگیرن.

شرکت در یک کلاس زبان ضروری هست اما به تنهایی کافی نیست. تصور کنید که یک دستگاه الکترونیک خریدید و اون دستگاه دفترچه راهنما نداشته باشه. اگر این دفترچه راهنما وجود نداشته شاید بتونید از حداقل کارایی های اون دستگاه استفاده کنید ولی مطمئنا تمام پتانسیل اون رو نمیتونید کشف کنید.

اقدام به یادگیری زبان بدون اینکه راه و روش درست اون رو بلد باشید همین نتیجه رو در پی داره. اگر روش یادگیری صحیح رو بلد نباشید، یادگیری یک سری لغت و گرامر نمیتونه کمکتون کنه که بیشترین کارایی ذهن خودتون رو بکار بگیرید.

به همین خاطر اسم این کتاب رو دفترچه راهنمای یادگیری زبان انگلیسی گذاشتم تا با پروسه یادگیری زبان انگلیسی چه قبل کلاس رفتن، چه هنگام کلاس رفتن و چه بعد کلاس رفتن آشنا بشید.

## فصل اول: چرا زبان انگلیسی یاد نمیگیرم؟

بزرگترین اختراعات و اکتشافات دنیا از اونجایی شروع میشه که یک نفر سوال درست رو میپرسه و بعد به دنبال جواب اون میره.

پس این سوال خوبیه که از خودتون بپرسید که چرا تا الان نتونستید زبان انگلیسی رو یاد بگیرید و چی باعث اون شده و اینکه چه راه حلی برای این موضوع وجود داره؟

بعضی افراد دلایل خیلی خوبی رو دارن و فقط راه حل رو نمیدونن و بعضی دلایل هم بیشتر بهانه هستن و واقعی نیستن.

در این بخش میریم سراغ یک سری از مهمترین دلایل و بهانه های آدم ها برای عدم یادگیری زبان انگلیسی و سعی میکنم با ارایه راه حل های عملی بهتون کمک کنم تا یادگیری زبان انگلیسی رو شروع کنید.

## آقا وقت ندارم کلاس برم، وقت!

اولین بهانه ای که اکثریت میارن اینه که وقت برای یادگیری زبان انگلیسی ندارن و سرشون خیلی شلوغه.

نمیخام که اینجا قضاوت کنم چون واقعا بعضیا سرشون خیلی شلوغه و واقعا وقت ندارن. اما بعضی هم وقت دارن ولی وقتشون رو به کارای دیگه میگذرونن. بخاطر همین میخام یه تست انجام بدید تا خودتون متوجه بشید که آیا واقعا سرتون شلوغه یا اینکه اولویت های مهمتر (یا حتی بی اهمیت تری) دارید.

برای این منظور از تکنیکی که داخل کتاب قورباغه را غورت بده یاد گرفتم استفاده میکنیم.

اول میخام که در لیست پایین ۱۰ تا از کارهایی که در روز انجام میدید رو لیست کنید.

- ۱-
- ۲-
- ۳-
- ۴-
- ۵-
- ۶-
- ۷-
- ۸-
- ۹-
- ۱۰-



در مرحله دوم میخام که این ۱۰ تا کار روزانه خودتون رو به ترتیب اهمیتی که برای آینده شما دارن لیست کنید. یعنی کاری که بیشترین تاثیر رو روی آینده شما داره رو در بالای لیست بنویسید و به همین ترتیب تا شماره ۱۰ که کمترین تاثیر رو روی آینده شما داره.

- ۱-
- ۲-
- ۳-
- ۴-
- ۵-
- ۶-
- ۷-
- ۸-
- ۹-
- ۱۰-

حالا از پایین ۲ تا از کارها رو انتخاب کنید. صادقانه به این سوال جواب بدید:

اگر شما آیتم شماره ۹ و ۱۰ رو حذف کنید، آیا اختلالی در زندگی آینده شما یا شرایط زندگی حال حاضر شما وارد میشه؟

اگر جواب شما بله هست پس بهتون تبریک میگم چون تمام زندگی شما برنامه ریزی شده هست و یک انسان فوق العاده موفق باید باشید!

اما به چیزی بهم می‌گه که اینطور نیست، چون دارید **دفترچه راهنمای یادگیری زبان انگلیسی عطایی آنلاین** رو می‌خوانید!

پس حدس می‌زنم که بتونیم آیتم شماره ۹ و ۱۰ رو حذف کنیم و هیچ اختلالی در زندگی حال یا آینده شما بوجود نیاد. حالا به سوال دوم جواب بدید.

با حذف آیتم شماره ۹ و ۱۰ چقدر وقت در روز شما آزاد شد؟

طبق یک قانون زندگی، اکثر آدم‌ها بیشتر وقتشون رو اختصاص میدن به کارایی که کمترین تاثیر رو روی زندگی‌شون می‌ذاره. پس بنظرم حداقل ۱ ساعت تا ۲ ساعت در روز آزاد شده باشه.

**آیا روزانه ۱ الی ۲ ساعت کافیه برای یادگیری زبان انگلیسی؟**

بله. نه تنها کافیه بلکه به مرور زمان ۱ الی ۲ ساعت روزانه که برای یادگیری صرف بشه قدرت تصاعدی پیدا میکنه یعنی ۱ ساعت ۸ ماه دیگه به اندازه ۸ ساعت ۱ ماه دیگه تاثیر خواهد داشت.

### **مشکل زمان حل شد؟**

امیدوارم بهتون ثابت شده باشه که همه ما ۲۴ ساعت در روز داریم که ۱۶ ساعت اون میتونه برامون در بیداری مفید باشه. هنر اینه که بتونیم با مدیریت درست زمان خودمون رو به اهداف خودمون برسونیم.

## آقا اصلا انگیزه یادگیری زبان ندارم!

بعضیا بهانه شون برای اینکه زبان یاد نمیگیرن اینه که میگن انگیزه ندارم. بحث انگیزه خیلی پیچیده و شخصی هست و هیچ کس نمیتونه در شما این انگیزه رو بوجود بیاره که بتونید کاری رو شروع کنید. البته دو شکل انگیزه داریم:

● انگیزه اولیه

● انگیزه ثانویه

### انگیزه اولیه چیه؟

انگیزه اولیه همونطور که از اسمش مشخصه شکلی از انگیزه هست که شما رو وادار به **شروع** یک کار میکنه. اکثر افراد جامعه انگیزه اولیه رو ممکنه نداشته باشن. این دسته از افراد میدونن که زبان انگلیسی مهمه ولی خودشون حس نیاز نمیکنن و میپرسن که خب تا حالا که بدون انگلیسی زندگی کردم پس چه دلیلی داره که وقت و پول صرف کنم برای یادگیری زبان.

یه خبر خوب بهتون بدم اونم اینه که شمایی که **دفترچه راهنمای یادگیری زبان انگلیسی** رو دانلود کردید و تا این قسمت کتاب رو خوندید، اون انگیزه اولیه رو دارید پس به خودتون یه ذره افتخار کنید تا بریم سراغ انگیزه ثانویه.

## انگیزه ثانویه چیه؟

انگیزه ثانویه بسیار بسیار مهم تر از انگیزه اولیه هست. خیلیا قدم اول رو برمیدارن و در یک آموزشگاه یا کلاس ثبت نام میکنن و چند جلسه اول خیلی خوب و با انگیزه پیش میرن ولی هر چی درسها سخت تر میشه، انگیزه ثانویه هم ضعیف تر میشه و بعد زبان آموز کم کم از کلاس عقب میفته و در انتها کلاس رو رها میکنه و با خودش میگه نه استاد خوب نبود یا هم کلاسی هام خوب نبودن یا بعدا دوباره با قدرت شروع میکنم. یعنی ذهن این زبان آموزان اونها رو گول میزنه و مقصر رو همیشه کسی دیگه جلوه میدهد و همیشه هم قول میدهد که بعدا دوباره شروع میکنی.

### تجربه شخصی

---

وقتی خودم توی یک آموزشگاه زبان ثبت نام کردم حدود ۴۰ نفر همکلاسی بودیم توی اون کلاس و در کمتر از ۶ ماه تنها کسی که باقی مونده بود توی ترم های بالاتر من بودم!

این آمار برای تمام کلاسهای دیگه هم همینطور بود و این نشون میدهد که چقدر افراد با انگیزه اولیه بالا توی کلاسها شرکت میکنن ولی انگیزه ثانویه خودشون رو نمیتونن حفظ کنن.

## چطور انگیزه ثانویه خودمون رو حفظ کنیم؟

تجربه شخصی من ثابت کرده که فقط کسانی که هدف مشخص و معین داشتن تونستن سختی های طول دوره یادگیری رو تحمل کنن و بتونن خودشون رو به انتهای دوره برسونن. مثلا شخصی برای **استخدام در یک شرکت بین المللی** نیاز به یادگیری زبان و شرکت در مصاحبه شغلی به زبان انگلیسی رو داشته پس تا انتها جنگیده چون اگر به نتیجه نمیرسید، همه چیز رو از دست میداد. یک نفر دیگه باید تا یک زمان مشخص **پرونده مهاجرتی خودش رو تکمیل** میکرد پس مجبور بود که زبان رو در اولویت زندگی خودش بزاره و بجنگه تا فرصت مهاجرت رو از دست نده. یکی دیگه باید نمره خاصی رو در **امتحانات بین المللی** آیلتس یا تافل بدست بیاره تا بتونه از طریق اون در دانشگاه دلخواه خودش قبول بشه پس اینطوری میتونه که سختی های یادگیری رو به جون بخره تا بتونه به هدف بزرگ زندگی خودش برسه.

پس **یک هدف بزرگ** برای خودتون تعیین کنید تا ذهنتون بتونه اون رو دنبال کنه. باید چیزی برای از دست دادن داشته باشید تا انگیزه شما محکم تر بشه. در تمام مثال های بالا این افراد چیزی مهم برای از دست دادن داشتن به خاطر همین میتونستن با سختی ها مقابله کنن. پس موقع هدف گذاری مشخص کنید که در صورت کم آوردن و شکست خوردن در اون راه چه چیز مهمی رو از دست خواهید داد.

در ادامه چند مثال براتون آوردم ولی ازتون میخام از این مثال ها فقط برای الهام گرفتن استفاده کنید و خودتون طبق شرایط خودتون بهترین هدف رو برای خودتون انتخاب کنید:

## مثال ۱

به یک آموزشگاه مراجعه کنید. از شون بپرسید که چند ترم باید بگذرونید تا به نقطه مطلوب برسید. اگر در توانتون هست از شون بپرسید که آیا امکان این هست که هزینه کل دوره ها رو یکجا پرداخت کنید! معمولا کسی به پول قلمبه نه نمیکه و این شرایط رو میپذیرن! (حتی شاید بهتون تخفیفی هم بدن!) به محض اینکه جواب مثبت رو گرفتید ثبت نام کنید و پرداخت رو انجام بدید و خودتون رو بسپردید به اون آموزشگاه یا استاد. تبریک میگم حالا شما چیزی برای از دست دادن دارید چون آموزشگاه اون پول رو به شما دیگه برنمیگردونه و حالا شما برای اون پول هم که شده باید زحمت بکشید تا به انتهای دوره برسید.

## مثال ۲

برید داخل سایت های کاریابی بگردید و شغل مرتبط به رشته خودتون رو پیدا کنید یا شغل فعلی خودتون رو در یک شرکت مطرح و بزرگتر از جایی که در حال حاضر کار میکنید پیدا کنید. دنبال شغلی باشید که یکی از ضروریات اون تسلط به زبان انگلیسی باشه. قدم اول رو بردارید و با اون شرکت تماس بگیرید. جویا بشید که لازمه استخدام در اون شرکت چی هست. اگر یکی از لازمه ها تسلط به انگلیسی یا آشنایی با انگلیسی بود پس به هدف زدید. بعضیا با خوندن این هم استرس برشون میداره! ولی شما که چیزی برای از دست دادن ندارید. پس چه اهمیتی داره که چه جوابی بشنوید. حالا بهشون بگید که من دارم کلاس زبان میرم و به زودی تسلط پیدا میکنم به زبان انگلیسی. از شون بخواهید که باهاتون مصاحبه کنن و نترسید از اینکه قول بدید که بزودی زبان انگلیسی رو یاد میگیرید.

حالا انگیزه دارید چون یک قدم برداشتید به سمت اینکه توی یک شرکت معتبر بین المللی با حقوق بالاتر و فضای کاری بهتر و فرصت های بی نظیر کار کنید. این فرصت شغلی نمیتونه زندگی شما رو از این رو به اون رو کنه؟ چرا که نتونه؟ اتفاقا رویاهاتون رو به واقعیت تبدیل میکنه ولی شرطش چیه؟ زبان انگلیسی!

بشینید با خودتون حساب کتاب کنید که با اون شغل جدید چقدر درآمدتون بالاتر میره. چقدر کلاس کاریتون بالاتر میره. چقدر فرصت های بهتری خواهید داشت. همه اینا رو با دقت پیدا کنید و بهشون فکر کنید. حالا انگیزه کافی دارید. اگه بهش نرسید تمام اون رویاها از بین میرن.

همونطور که میبینید میشه که انگیزه رو برای خودمون بسازیم و افراد مختلف میتونن به شکل های مختلف به خودشون انگیزه بدن. پس شما هم یه راهی رو پیدا کنید تا بتونید انگیزه رو برای خودتون بسازید.

شما چه انگیزه ای برای خودتون ساختید؟ میتونید با ورود به این لینک تجربه خودتون رو با دیگران هم در میان بگذارید:

[www.ataeionline.com/books](http://www.ataeionline.com/books)

## آقا اصلا استعداد ما تو یادگیری زبان صفره!

بدترین بهانه برای یاد نگرفتن زبان انگلیسی همین بحث استعداد هست که خیلی از افراد رو مجاب میکنه که نباید برن سراغ زبان انگلیسی. در ابتدا تعریف استعداد رو بهتر بگم:

وقتی کسی مستعد **باشه** یعنی **زودتر** از دیگران یک مهارت رو یاد میگیره. وقتی کسی مستعد **نباشه** یعنی **دیرتر** از دیگران یک مهارت رو یاد میگیره.

به واژه های **زودتر** و **دیرتر** در تعاریف بالا توجه کنید.

توی هیچ کدوم از این تعاریف گفته نشده که کسی که مستعد نباشه زبان انگلیسی رو یاد **نمیگیره**. فقط **دیرتر** این اتفاق میفته. ولی متعجبم از کسانی که میگن من نمیخام ۱ سال وقت بزارم که زبان انگلیسی رو یاد بگیرم و باید تا ۱ یا ۲ ماه دیگه یاد بگیرم! بعد وقتی نمیتونن یک کار غیرمنطقی و غیرممکن رو انجام بدن میگن من استعداد ندارم!

یه سوال ازتون بپرسم

چقدر طول کشید که زبان مادری خودتون رو که فارسی هست رو مسلط حرف بزنید؟

جواب حدود ۱۹ الی ۲۰ سال هست.

بله. فکر کنید که وقتی ۵ سالتون بود بلد بودید حرف بزنید؟  
وقتی ۸ سالتون بود چطور؟  
وقتی ۱۵ سالتون بود؟



قبول دارید که تازه وقتی رفتیم دبیرستان و پیش دانشگاهی و بعدش دانشگاه بود که تونستیم به حرف زدنمون **مسلط** بشیم؟ نه که قبلش بلد نباشیم حرف بزنینم ولی آیا میتونستیم قشنگ و مسلط حرف بزنینم؟ اصلا شاید استثناهایی وجود داشته باشن که از سنشون بیشتر درک میکنن و نگیم ۲۰ سال. اصلا بگیم ۱۰ سال. یعنی شما حداقل ۱۰ سال طول کشید که توی محیط، زبان مادری خودتون رو یاد بگیرید! بعد حالا اگه یادگیری یه زبان دیگه بخاد ۱ الی ۲ سال طول بکشه میگی من استعداد ندارم؟

نتیجه این هست که اگر کسی بتونه یک زبان دیگرو در حدود ۲ الی ۵ سال هم یاد بگیره باز میشه مستعد.

## اون موقع که باید زبان یاد می‌گرفتیم نگرفتیم!

بعضیا دوست دارن که زبان رو یاد بگیرن و تنها مساله شون اینه که دیگه سنی ازشون گذشته و توی سن بالا نمیتونن زبان انگلیسی رو یاد بگیرن.

باورتون میشه که فردی ایمیل زده بودن که دیگه براشون دیر شده و خجالت میکشن که زبان رو یاد بگیرن ولی همیشه دوست داشتن که زبان رو یاد بگیرن و اینکه این شده یک آرزو براشون. به درخواست من برای مشاوره بصورت حضوری تشریف آوردن و من که منتظر یک آقای ۵۰ ۴۰ ساله بودم مواجه شدم با یک دانشجوی ۲۲ ساله!!! و وقتی از ایشون پرسیدم که چرا فکر میکنن ازشون گذشته جواب دادن که خب باید زبان رو توی بچگی یاد گرفت نه توی این سن. این یک تفکر کاملا اشتباه هست که میخام همین الان از ذهنتون خارج کنید.

واقعیت اینه که من زبان آموزانی بالای سن ۵۰ داشتم که در کمتر از یک سال تسلط بی نظیر به زبان انگلیسی پیدا کردن و زبان آموزان زیر سن ۲۰ داشتم که هیچ وقت نتونستن که زبان رو یاد بگیرن.

### تجربه شخصی

---

من دانشجویی داشتم توی سن بالای ۶۵ سال که برای صحبت کردن با نوه خودشون میخواستن زبان رو خوب یاد بگیرن. و اینقدر با انگیزه سر کلاسها حاضر میشدن و تمرینات رو درست انجام میدادن که خیلی سریع زبان رو یاد گرفتن و نه اینکه فقط گلیم خودشون رو از آب بیرون بکشن بلکه بتونن خوب و درست صحبت کنن. برای

ایشون صحبت کردن با نوه شون بزرگترین انگیزه بود که مساله سن رو کاملا رها کنن و بخان واقعا زبان رو یاد بگیرن.

### تجربه شخصی

خانومی که حدود ۴۵ سال سن داشتن پیش من اومدن و گفتن که توی سن ۱۸ سالگی ازدواج کردن و دانشگاه نرفتن و بچه دار شدن و خانه دار ولی عمری حسرت میخوردن که چرا ادامه تحصیل ندادن و آرزوشون این بود که مدرس زبان بشن. از من پرسیدن که شدنیه و منم گفتم که انگیزه شون اگر تا انتها باقی بمونه صد در صد شدنیه. ایشون با انگیزه زیاد جلسات رو منظم شرکت میکردن و حتی با وجود مشکلات بزرگ کلاسشون رو کنسل نمیکردن. بعد از مدتی وقتی نزدیک به انتهای دوره شون بود بصورت اتفاقی یک آموزشگاه زبان رو میبینن و با خودشون میگن برم داخل و خودم رو به تست کنم ببینم چقدر یاد گرفتم. ایشون میرن داخل آموزشگاه و به منشی میگن که برای مصاحبه اومدم (مصاحبه اصطلاحی هست که توی آموزشگاه ها برای تعیین سح استفاده میکنن) ایشون رو میفرستن پیش یک نفر که با ایشون مصاحبه کنن و بعد از پایان مصاحبه شخص مصاحبه کننده به ایشون میگن که زبانتون خیلی خوبه و میتونید از این سطح تا این سطح کلاسهای ما رو تدریس کنید ولی قبلش باید یک دوره تدریس براتون بزاریم که ....!

ایشون هم متعجب حرف مصاحبه کننده رو متوجه نمیشدن و میگفتن خب اگه من سحطم خوبه پس چرا این کلاسای سطح پایین رو توصیه میکنید. مصاحبه کننده هم ظاهرا گفتن که خب قانون مجموعه هست که اساتید از سطوح اولیه شروع میکنن و با کسب تجربه بعدا سطوح بالاتر رو هم میتونن تدریس کنن.

ایشون باز هم متوجه نمیشن و میگن یعنی چی تدریس من اومدم اینجا تست کلاس زبان بدم بعنوان شاگرد! و مصاحبه کننده

عزیز هم متعجب می‌گن که مگه شما برای آگهی استخدام مدرس تشریف نیاوردید؟

خلاصه که ایشون چنان ذوقی میکنن که زبانشون به شکلی خوب شده بوده که جایی ایشون رو بجای مدرس اشتباه گرفتن! ایشون با اعتماد به نفس بالاتر بعدا مدرس چند تا از معتبرترین آموزشگاه های تهران شدن.

برعکس این عزیزان زبان آموزانی توی سن پایین تر مثلا ۱۵ تا ۱۹ داشتم که عملا و منطقا باید خیلی خوب و سریع یاد میگرفتن اما به دلیل بازیگوشی و عدم داشتن تمرکز و عدم داشتن انگیزه هیچ وقت نمیتونستن اونطوری که باید خودشون رو آماده هر جلسه کلاس کنن.

دقیقا این قضیه من رو یاد داستان مسابقه بین خرگوش و لاک پشت میندازه که خرگوش در عمل باید برنده مسابقه بشه ولی بعلت بازیگوشی قافیه رو به لاک پشت میبازه.

پس بدونید که اگر انگیزه کافی اولیه و انگیزه کافی ثانویه داشته باشید در هر سنی که باشید میتونید زبان انگلیسی رو یاد بگیرید. تنها نکته ای که میمونه اینه که باید در نظر داشته باشیم که در سنین بالاتر بعلت دوری چند ساله از درس و مدرسه و یادگیری ذهن ممکنه کارایی ذهن یک شخص جوان تر رو نداشته باشه. به همین خاطر میزان تمرین بیشتری در سنین بالاتر نیاز هست تا نتیجه ای خاص حاصل بشه. یعنی اگر مثلا یک شخص در ۳۰ سالگی باید ۲ ساعت وقت برای تمرین بزاره برای اینکه به حدی خاص برسه همون شخص در سن ۴۰ سالگی باید ۳ الی ۴ ساعت وقت بزاره برای رسیدن به همون هدف خاص و همون آدم در سن ۵۰ سالگی باید ۵ تا ۶ ساعت وقت بزاره تا به همون نقطه برسه که یک روند کاملا طبیعی هست و باید اون رو پذیرفت و طبق اون پیش رفت.

## تو پولش رو بده من میرم کلاس!

مسائل مالی یک عامل بازدارنده جدی هست که جلوی یادگیری زبان اکثریت افراد رو میگیره و نکته جالب اینجاست که افراد ثروتمندی رو میشناسم که حاضر نیستن برای یادگیری مهارت زبان پول خرج کنن و برعکس افرادی رو میشناسم که وضعیت مالی نامناسبی رو دارن ولی یادگیری مهارت زبان رو در اولویت قرار دادن.

به واژه کلیدی اولویت دقت کردید؟ پول هم مثل زمان هست. البته برعکس زمان که به صورت مساوی بین افراد تقسیم شده، پول بصورت مساوی تقسیم نشده ولی بازم پولی که افراد به دست میارن طبق اولویت هاشون خرج میشه.

مثل تمرین زمان ۱۰ تا از خرج های ثابت ماهانه خودتون رو یادداشت کنید.

- ۱-
- ۲-
- ۳-
- ۴-
- ۵-
- ۶-
- ۷-
- ۸-
- ۹-
- ۱۰-

حالا به ترتیب "اجبار به خرج" اونها رو مرتب کنید یعنی اون خرج های اجباری رو در بالای لیست قرار بدید و اونایی که اختیاری هستن رو در پایین لیست.

- ۱-
- ۲-
- ۳-
- ۴-
- ۵-
- ۶-
- ۷-
- ۸-
- ۹-
- ۱۰-

حالا از انتهای لیست خودتون ۲ تا آیتم رو حذف کنید. بعد حساب کنید و ببینید که چه مقدار بصورت ماهانه از حذف این ۲ آیتم اختیاری باقی میمونه.

در این صورت ۲ سناریو خواهیم داشت.

سناریو شماره ۱: کسانی که با حذف ۲ آیتم از خرج های اختیاری ماهانه خودشون مبلغی باقیمانده خواهند داشت.

سناریو شماره ۲: کسانی که هیچ آیتم قابل حذف ندارن.

## سناریو شماره ۱:

در این سناریو با حذف ۲ آیتم اختیاری میتونیم به مبلغی پول چه کم چه زیاد برسیم.

این مبلغ برای هر کسی متفاوت میتونه باشه و شاید به خودتون بگید که با این پول که همیشه زبان یاد گرفت!!! و باید بهتون بگم که در اشتباه هستید.

فکر نکنید که من فقط با استاد فلانی میتونم زبان یاد بگیرم. فکر نکنید که اگر فلان آموزشگاه نرم زبان نمیتونم یاد بگیرم. فکر نکنید که اگر فلان تعداد جلسه در هفته کلاس نرم زبان نمیتونم یاد بگیرم. فکر نکنید که اگه خصوصی کلاس نرم زبان یاد نمیگیرم. فکر نکنید که با کلاس آنلاین همیشه زبان یاد گرفت. فکر نکنید که حتما باید زور بالای سرم باشه تا زبان یاد بگیرم.

بهتون قول میدم که طبق بودجه ای که دارید میتونید با اساتید خیلی خوبی هم کلاس بگیرید و آموزشگاه های خوبی هم پیدا کنید. فقط باید به مقدار وقت بزارید و بودجه خودتون رو مدیریت کنید.

مثلا به خودتون بگید خب من بودجه کمی دارم پس بجای ۳ جلسه در هفته کلاس رفتن کلاسی رو انتخاب میکنم که ۱ جلسه در هفته باشه. بجای اینکه برم این آموزشگاه که کلاساش گرون تر هست، میرم آموزشگاه دیگه ای که ارزونتر هست و باور کنید که اسم آموزشگاه هیچ اهمیتی روی یادگیری شما نداره چون شما میرید به آموزشگاهی که مدرس اون آموزشگاه ممکنه ۴ تا آموزشگاه دیگه هم تدریس کنه و اون آموزشگاه های دیگه حتی اعتبار کمتری داشته باشن. حتی ممکنه اسم به آموزشگاه رو اصلا نشنیده باشید ولی

مدرسی که اون آموزشگاه رو اداره میکنه و کلاسها رو درس میده خیلی با سوادتر و مجرب تر از ۹۰ درصد مدرسین یک آموزشگاه به نام باشه.

باور کنید که اساتید خیلی خوب و باسواد و مجرب هستن که هزینه های خیلی کمی رو میگیرن برای تدریس زبان انگلیسی و کارشون هم خیلی خوب هست فقط کافیه که بگردید دنبالشون تا پیداشون کنید. در نتیجه شما میتونید با مدیریت صحیح پول، شهریه کلاس رو فراهم کنید و شروع به یادگیری کنید.

## سناریو شماره ۲

حالا کسانی هستن که ممکنه در شرایطی باشن که هیچ پولی رو اضافه ندارن و تمام درآمدهشون صرف مایحتاج زندگی میشه و از هیچی نمیشه زد.

### ولی آیا همیشه زبان رو بدون کلاس و بصورت رایگان یاد گرفت؟

متأسفانه جواب خیر هست شما نمیتونید زبان رو بدون کلاس رفتن و در منزل یاد بگیرید. ولی ولی قبل اینکه ناامید بشید

باید بهتون بگم که میتونید یک سری کارها رو به تنهایی انجام بدید تا شرایط خودتون رو بهتر کنید. قرار نیست که مشکلات مالی و شرایط فعلی شما همیشه ادامه پیدا کنن و این رو بدونید که هر چقدر هم شرایط مالی فعلی شما در حال حاضر بد باشه میتونید با تغییر اصول و سبک زندگی خودتون بزودی این شرایط رو تغییر بدید. اگر واقعا در شرایط مالی سختی هستید این توصیه من رو نمیتونید



نادیده بگیرید. همین حالا توی اینترنت سرچ کنید "لایو کتابخوانی عطایی آنلاین" یا پادکست "سبک زندگی عطایی آنلاین" رو در اسپاتیفای پیدا کنید و با دقت ویدیوها رو تماشا کنید تا با علم ثروتمند شدن آشنا بشید. قبل از اینکه فکر کنید که این هم مثل یه سری سمینارهای ثروتمند شدن و ... هست در اشتباه هستید. اولاً که رایگانه پس اگر مشکل مالی واقعی دارید از این محتوای رایگان استفاده کنید و بعد نتیجه گیری کنید. دوماً توی این لایو یک کتاب انگلیسی رو میخونم براتون و خط به خط و لغت به لغت ترجمه و تحلیل میکنم تا نه تنها زبان انگلیسی رو یاد بگیرید بلکه حرفای زیبای آقای والاس دی واتلز رو درباره علم ثروتمند شدن بشنوید. این کتاب در سال ۱۹۱۰ چاپ شده و فوق العاده هست و با عمل کردن به راهنمایی های این کتاب میتونید امیدوار باشید که یک روز به همین زودیا مسائل و مشکلات مالی نخواهید داشت.

با این امید یک سری کارها رو میتونید خودتون انجام بدید تا زمانی که یادگیری رو اصولی و تحت نظر استاد شروع کردید یک سر و گردن از بقیه بهتر باشید:

۱- شروع کنید به دیدن فیلم های انگلیسی با زیرنویس انگلیسی حتی اگر چیزی متوجه نمیشید بازم نگاه کنید. خیلیا زبان ترکی رو با دیدن سریالهای ترکی یاد گرفتن، خیلیا کره ای رو به این شکل یاد گرفتن و خیلی زبان های دیگه. البته که وقتی میگی یاد گرفتن یعنی میفهمن که چی گفته میشه توی فیلم ها. پس شما هم این کار رو انجام بدید. تجربه من نشون داده که زبان آموزانی که قبل از کلاس اومدن فیلم و سریال و ... زیاد دیدن پیشرفت خیلی سریعتری نسبت به دیگران داشتن.

- ۲- کتاب **دیکشنری تصویری آکسفورد** و ۲ سری اول از کتاب ۴۰۰۰  
**لغت ضروری انگلیسی** رو تهیه کنید و این لغات رو با تلفظ صحیح  
یاد بگیرید. سعی نکنید جمله سازی کنید و تمام تمرکزتون فقط روی  
این لغات باشن.
- ۳- آهنگ های انگلیسی در سبک پاپ یا کانتری گوش بدید حتی  
اگر متوجه نمیشید مهم نیست. می‌خواهیم فقط گوشتون به انگلیسی  
عادت کنه.

### کارهایی که سر خود نباید انجام بدید هم اینا هستن:

- ۱- به هیچ عنوان کتاب هایی که توی آموزشگاه ها کار میشه رو  
توی خونه نخونید. این کتابها مخصوص کار در کلاس هستن و حتما  
باید زیر نظر استاد کار بشن.
- ۲- جمله سازی به هیچ عنوان نکنید و جمله هم حفظ نکنید.  
چون باعث یادگیری غلط میشه و بعدا شما رو دچار مشکلات فراوان  
میکنه.
- ۳- سراغ صفحات اینستاگرام و تیک تاک و تلگرام برای یادگیری  
نرید. نمیگم بد هستن. بعدا که در سطح بالاتری رسیدید میتونید  
بهتر تشخیص بدید که چی خوبه و چی بد.
- ۴- فیلم با زیرنویس فارسی اصلا نبینید چون اکثر زیرنویس های  
فارسی ترجمه صحیح ندارن و ذهنتون عادت میکنه به دیدن  
زیرنویس فارسی و تنبل میشید.

## آموزشگاه خوب معرفی کن من میرم!

وقتی از بعضی ها میپرسم که چرا یادگیری زبان رو شروع نمیکنن میگن که آموزشگاه خوب نیست یا استاد خوب پیدا نمیکنن.

این جمله رو فقط کسانی میگن که انگیزه کافی و قوی برای یادگیری زبان ندارن و یادگیری زبان براشون بیشتر جنبه تفریحی داره تا یک مساله مهم و جدی. مثلاً کسی که برای یک کاری با عجله باید به یک نقطه دیگه شهر برسه دیگه براش مهم نیست که از کدوم اپلیکیشن تاکسی میگیره یا راننده تاکسی چقدر تجربه داره. این شخص فقط میخاد که به مقصدش برسه.

باید بگم به اندازه کافی مدرس زبان خوب و آموزشگاه خوب وجود داره. البته که به همون تعداد ممکنه مدرس نامجرب و حتی بد هم وجود داشته باشه. ولی شما از بیرون نمیتونید هیچ وقت اون مدرس و آموزشگاه خوبی که میخواهید رو پیدا کنید. باید وارد پروسه یادگیری بشید و در حین رفتن به کلاسها کم کم متوجه میشید که توی اون آموزشگاه خاص کدوم مدرس بهتر هست و میتونید طوری برنامه ریزی کنید که با اون استاد همراه بشید یا ممکنه با کسانی آشنا بشید که آموزشگاه های دیگری رفتن و از تجربه اونها میتونید استفاده کنید تا جای اشتباهی نرید.

## مگه خودم اینجوریم؟ توی خونه یاد میگیرم!

من یکی از مخالفین سرسخت یادگیری زبان در منزل با کتاب و سی دی و اپلیکیشن و ... هستم. دلیل محکمی هم برای این مخالفت خودم دارم چون ۹۹.۹٪ کسانی که اقدام به خودآموزی میکنند عملاً وقت خودشون رو تلف میکنند و در آخر هیچی یاد نمیگیرن و مجبور میشن توی یک کلاس ثبت نام کنن و تمام اشتباهاتی که در طول سالها یاد گرفتن رو با خودشون به کلاس میارن. این زبان آموزان نسبت به کسی که اصلاً زبان کار نکردن یادگیری ضعیف تری رو دارن و بدتر از همه توهم **آموزش** دارن و فکر میکنند که صرفاً چون اسم یک ساختار رو شنیدن پس اون رو بلدن و دیگه نیاز ندارن که اون رو یاد بگیرن و حتی وقتی بهشون آموزش داده میشه بخاطر یادگیری های غلط گذشته نمیتونن درست و اصولی یاد بگیرن و خیلی کندتر از بقیه پیش میرن. اکثر همین افراد بعد از مدتی اعتراف میکنند که ای کاش خودآموزی نکرده بودم!

ببینید قضیه خیلی ساده ست. فکر کنید یک نفر میخاد یک ساختمان بسازه و یک زمین صاف در اختیارش قرار داده میشه. به یک نفر دیگه هم یک آپارتمان قدیمی میدن. نفر اول بدون دغدغه شروع به ساخت میکنه ولی نفر دوم باید ابتدا اون ساختمان قدیمی رو خراب کنه و بعد شروع به ساخت کنه. پس از نفر اول عقب میمونه.

این رو هم قبول دارم که استثناهایی هم وجود دارن توی این قضیه.

خود من دوستی رو دارم که هیچ وقت کلاس زبان نرفته و خودش با انیمیشن و فیلم و بازی و کتاب، زبان رو یاد گرفته ولی همین آدم حداقل ۲۰ سال به این روش زندگی کرده تا تونسته به سطح خوبی از انگلیسی برسه. همین شخص همیشه یکی از افتخاراتش این بود که بدون کلاس رفتن زبان رو یاد گرفته و یک بار که مهمان یکی از کلاسهای مکالمه من بودن و تسلط زبان آموزان رو روی مکالمه از نزدیک مشاهده کردن با تعجب بعد از کلاس از من پرسیدن که واقعا اینا یک ساله کلاس میان؟ و بعدش اعتراف کردن که پس این همه سختی کشیدن و وقت گذاشتن رو میشد اینقدر ساده تر به دست آورد!

انگلیسی شامل صدها نکته گرامری، شامل انواع کلمه در نقش های مختلف، شامل هزاران هزار لغت و اصطلاح، شامل انواع و اقسام مختلف تلفظ و موارد فرهنگی هست که یه تغییر خیلی خیلی کوچکی داخل یک کلمه معنی و تلفظ رو تغییر میده.

یکی از مشکلات بزرگی که خودآموزان باهاش مواجه میشن یادگیری تلفظ اشتباه کلمات هست.

خیلی از کسانی که خودآموزی کردن به اشتباه کلمه heart رو **هَرت** تلفظ میکنن در حالیکه تلفظ این کلمه **هَارت** هست و کلمه Hurt رو خیلیا **هَارت** تلفظ میکنن در حالیکه تلفظ اون **هَرت** هست. یا کلمه Blood رو خیلیا تلفظ میکنن **بلود** در حالیکه **بلاد** تلفظ میشه.

مشکل بزرگ دیگه لغته که خلیا معنی لغات رو اشتباه یاد  
میگیرن و کسی نیست که تصحیحشون کنه و فکر میکنن که دارن  
مسیر درست رو میرن. مثلا این جملات رو شما ترجمه کنید.

He went by Jack in school.

I called in.

Jane and I go back.

من از همین جا بدون اینکه شما رو بشناسم و سطح زبانتون رو  
بدونم مطمئنم که هر ۳ رو اشتباه ترجمه کردید! حالا اگه من  
نمیگفتم که اشتباه کردید شما اصلا شک هم نمیکردید که در اشتباه  
هستید چون معنی همه کلمات بالا رو بلدید معنی جملات بالا  
میشن:

۱- توی مدرسه جک صداش میکردن.

۲- مریض بودم بخاطر همین زنگ زدم سر کارم و مرخصی گرفتم.

۳- من و جین سالهاست که همدیگه رو میشناسیم.

خب فکر میکنم حسابی تعجب کرده باشید که چطور ممکنه از  
این کلمات این معناها در بیان. همونطور که توی فارسی خیلی کلمات  
معنی خودشون رو نمیدن و جاهای مختلف معناهای متفاوت دارن  
توی انگلیسی هم این قاعده وجود داره.

## آیا همیشه با کتاب و سی دی و اپلیکیشن زبان رو یاد گرفت؟

خیر، به تنهایی نمیتونید زبان رو صرفا با این روشها یاد بگیرید. کتاب و سی دی و سایت و اپلیکیشن ها خوب هستند، اما زمانی که بصورت مکمل در کنار یک کلاس آموزشی و در کنار یک استاد مجرب کار بشن تا مفید باشن.

این موارد رو میتونیم به ادویه یا دسر در آشپزی تشبیه کنیم. تقریبا همه نوشابه دوست دارن!!! همه ماست و سبزی خوردن رو کنار غذاشون میپسندن. انواع سالاد کنار غذا خیلی جذابه و سس ها که جای خودشون رو دارن. میبینید همه اینا چقدر جذابیت دارن؟ اما آیا کفایت میکنن؟ آیا میتونن یک وعده کامل غذایی باشن و شما رو سیر کنن؟ پس شاید این صفحات اینستاگرام و تلگرام و یوتوب و اپلیکیشن و سی دی و ... جذابیت داشته باشن اما به تنهایی کمک زیادی به یادگیری کامل و اصولی زبان نمیکنن.

## فصل دوم: پروسه اصولی ثبت نام در کلاس زبان

حالا که میدونید چرا یادگیری زبان رو همیشه عقب مینداختید و اینکه راه حل برای بهانه ها و دلایل منطقی خودتون پیدا کردید میخام ۴ قدم رو بهتون بگم که باید قبل از ثبت نام در کلاس انجام بدید.

**قدم اول:** برنامه ریزی زمانی

**قدم دوم:** پیدا کردن کلاس مناسب

**قدم سوم:** درک مسیر درست یادگیری

**قدم چهارم:** ثبت نام

### قدم اول: پیدا کردن زمان

در فصل قبل درباره بحث زمان صحبت کردیم و الان وقتشه که به حساب و کتاب دقیق انجام بدید تا ببینیم که چه روزایی آزاد هستید. چه مدت زمان میتونید برای تمرین وقت بزارید. چه آموزشگاه یا کلاس یا سبک کلاسی رو انتخاب میکنید (که در فصل بعدی توضیح میدم). این یک بحث مهم هست که خیلیا بهش توجه نمیکنن و بعد بخاطر مشکل زمان به کلاس نمیرسن یا به تمرین نمیرسن و اکثر این افراد بخاطر مشکلات زمانی و عدم برنامه ریزی صحیح نمیتونن کلاس خودشون رو ادامه بدن.

مثلا اگر در طول هفته خیلی سرتون شلوغه پس آخر هفته رو در نظر بگیرید برای کلاس و عصرهای طول هفته برای تمرین.



اگر صبح سرتون خلوت هست کلاسی رو پیدا کنید که صبح بتونید شرکت کنید.

اگر کارتون شیفتی هست کلاسی ثبت نام کنید که غیرحضوری باشه و نیاز نباشه سر ساعت خاصی آنلاین بشید. اگر زمانتون کم هست پس باید تعداد جلسات کمتری در هفته کلاس برید. هیچ فرقی نداره که یک روز در هفته کلاس برید یا دو روز در هفته یا سه روز یا هر روز در هفته. مهم اینه که بصورت منظم در کلاسهاتون شرکت کنید و کمترین غیبت رو داشته باشید.

شاید این حرف برای خیلیا عجیب باشه چون فکر میکنن که هر چقدر فشرده تر کلاس برن بهتر هست و در واقع اینطور نیست. کسی که ۲ یا ۳ سال منظم **یک روز در هفته** کلاس بره مطمئن باشید حتی میتونه بهتر باشه از کسی که ۵ روز در هفته کلاس میره به مدت ۶ ماه.

کلاسهای فشرده تر فقط برای کسانی توصیه میشن که فرصت کمی دارن برای امتحانات بین المللی انگلیسی یا هر نوع کار دیگه ای که نیاز به یادگیری سریع انگلیسی رو داره.

پس اول به دقت مساله زمان رو بسنجید تا بعد بتونید سراغ کلاس مناسب برید.

## قدم دوم: پیدا کردن کلاس مناسب

حالا که مشکل زمان رو حل کردیم، باید به دنبال کلاس مناسب آموزش زبان انگلیسی بگردیم. در این قسمت سعی میکنم تا اونجایی که میتونم بی طرف باشم (با اینکه بسیار سخته) تا شما ی زبان آموز بتونید بهترین کلاس رو که برای شرایط شما مناسب هست پیدا کنید.

پیدا کردن کلاس خوب مثل پیدا کردن همسر خوب هست و معیارهای هر کسی با آدم های دیگه متفاوت هستن. مثلا اگر دوست شما در کلاسی شرکت کرده که توش نتیجه نگرفته دلیل همیشه که شما هم نتیجه نگیرید. یا اگر فامیلی پیش استادی زبان یاد گرفته که نتیجه خوبی گرفته تضمین نمیکنه که شما هم پیش اون استاد زبان رو یاد بگیرید.

پس همونطور که برای انتخاب همسرتون وسواس به خرج میدید برای انتخاب کلاس زبانتون هم باید معیارهایی داشته باشید که با اخلاقیات و سبک زندگی شما همخوانی داشته باشه. در غیر اینصورت اگر شما و کلاستون با هم تفاهم نداشته باشید نتیجه جدایی میشه و سرخوردگی!

یک نفر دوست داره که کلاس جدی باشه و سریع پیش بره و وقتش با حرفای الکی توی کلاس تلف نشه پس باید دنبال کلاسی باشه که با این اخلاقش جور در بیاد. کسی دیگه دوست داره کلاسی ثبت نام کنه که استاد جوک بگه و بخنده و توی کلاس هم خوش بگذره پس اگر کلاسی ثبت نام کنه که خشک باشه خیلی زود خسته میشه و یادگیری رو میزاره کنار.

یک آدم خجالتی با شرکت در یک کلاس عمومی ممکنه نتونه هیچ پیشرفتی کنه و حتی اگه خیلی خوب هم یاد بگیره جرات صحبت کردن رو نداشته باشه و نتونه با کسانی که پررو تر هستن رقابت کنه و پیشرفتی که باید رو نتونه داشته باشه. همین آدم ممکنه توی یک کلاس آنلاین یا خصوصی در مدت خیلی کوتاه پیشرفت خیلی بیشتری رو تجربه کنه.

پس مهمه که خودتون رو بشناسید و طبق اخلاقیات و عادت های روزانه خودتون از بین کلاسهای زیر بهترین گزینه رو برای خودتون انتخاب کنید:

- کلاس حضوری گروهی
- کلاس حضوری خصوصی
- کلاس آنلاین خصوصی
- کلاس آنلاین گروهی
- کلاس از پیش ضبط شده

سوالی که ممکنه الان براتون پیش بیاد اینه که کدوم یکی از این کلاس ها بهتر هستن. و جواب رو در قسمت بالا دادم! هر کدوم از این کلاس ها میتونن برای یک گروه خیلی عالی باشن و برای گروه دیگه خیلی ضعیف.

بعنوان مدرسی که تمام این نوع کلاسها رو تدریس کردم و هزاران زبان آموز در هر کدوم از این کلاس ها داشتم باید بهتون بگم که خیلی ها توی کلاس های حضوری گروهی به بالاترین سطح زبان انگلیسی رسیدن. خیلی ها توی کلاسهای خصوصی به بالاترین سطح رسیدن. خیلی ها توی کلاسهای آنلاین خصوصی و

خیلی ها توی کلاسهای آنلاین گروهی و در نهایت خیلی ها توی کلاسهای از پیش ضبط شده تونستن به مدارج بالای زبانی برسند. و برعکسش هم صادق بوده و توی تمام کلاسهایی که ذکر کردم صدها نفر هم بودن که نتونستن نتیجه بگیرن.

پس فکر نکنید که تا کلاس خصوصی با استاد X شرکت نکنید نمیتونید توی زبان به تسلط عالی برسید. فکر نکنید که چون کلاس آنلاین دارید شرکت میکنید پس نمیتونید خوب یاد بگیرید. همه چیز به تلاش شما برمیگرده و انتخاب نوع کلاس مناسب اخلاقیات و سبک زندگی شما بهتون کمک میکنه که نتیجه بهتری بگیرید.

توصیه من اینه که به حرف هیچ کس گوش نکنید و خودتون تحقیق کنید تا بتونید بهترین گزینه برای خودتون رو انتخاب کنید.

اما وقت خودتون رو تلف نکنید و سعی کنید سریع تصمیم گیری کنید. در فصل بعدی توضیحات کلی درباره انواع کلاس های زبان رو میتونید بخونید تا با کلاسهای مختلف آشنا بشید.

## قدم سوم: درک مسیر درست یادگیری

معیار سنجش پیشرفت زبان آموز قدرت تکلم به زبان انگلیسی هست بخاطر همین همه هدفشون رو میزارن "تقویت مکالمه". وقتی هم که زبان دوستان دنبال کلاس زبان هستن دنبال کلاسی میگردن که بتونن توی اون از همون جلسه اول مکالمه انگلیسی انجام بدن که بزرگترین اشتباه یک زبان آموز در انتخاب کلاس هست.

اگر یک بوکسور رو در نظر بگیریم که هدفش قهرمانی در دنیا هست چه کاری باید انجام بده؟  
باید در ابتدا با اصول بوکس آشنا بشه. باید تمرینات سختی رو انجام بده. باید سالها وقت بزاره تا به روز بره برای مبارزه و بتونه قهرمان بشه.

اگر یک نفر هدفش این باشه که یک جراح بشه. اول توی دبیرستان انتخاب رشته میکنه و زیست شناسی رو انتخاب میکنه. بعدش برای کنکور تلاش میکنه تا بتونه رتبه بالایی بگیره و در رشته پزشکی قبول بشه. وقتی وارد دانشگاه میشه درسهایی درباره آناتومی بدن انسان رو میگذرونه و درباره داروها درسهای زیادی رو یاد میگیره و سالهای سال وقت صرف میکنه تا دانش خودش رو بالا ببره و بعد روی حیوانات تمرین میکنه تا کم کم بتونه جراح بشه و اجازه این رو پیدا کنه که روی انسان جراحی کنه و بعد با سالها کار و ممارست تبدیل به یک جراح موفق بشه.

مثالهای این چنینی رو برای خودتون مرور کنید درباره یک فوتبالیست، یک مهندس عمران، یک بازیگر و ...

هدف من از این مثالها اینه که بهتون ثابت کنم که موفقیت در هر زمینه ای دو قسمت داره:

۱- دانش

۲- مهارت

و مکالمه یک مهارت هست و بدون داشتن دانش هیچ ارزشی نمیتونه داشته باشه.

آیا شما حاضرید یک نفر که ادعای جراحی داره و دانشگاه نرفته روی عزیز شما جراحی انجام بده؟  
آیا حاضرید که یک نفر که اصول ساختمان سازی رو بلد نیست آپارتمان شما رو بسازه؟

اگر جوابتون نه هست پس میدونید که نداشتن دانش باعث میشه که مهارت هم به دست نیاد. پس درسته که هدف شما تقویت مکالمه هست تا بتونید پشت دستی بکوئید به اون فامیلی که زبانش بهتر از شماست ببخشید!!! ...  
تا بتونید در تحصیل و کار و پیشرفت و موفقیت از اون استفاده کنید ...

اما اگر دانش استفاده از اون مهارت رو نداشته باشید پس راه براتون خیلی سخت تر میشه و نتیجه نهایی هم یک نتیجه دلخواه و اصولی نیست.

مقصر این طرز تفکر البته فقط خود زبان آموزان نیستن و آموزشگاه ها مقصران اصلی این مشکل هستن چون بجای راهنمایی زبان دوستان، بستری رو فراهم میکنن که زبان آموز بتونه در کلاسهای شرکت کنه به نام **کلاسهای مکالمه انگلیسی** و حتی این آموزشگاه ها در تبلیغات خودشون هم از این ترفند استفاده میکنن

که ما کلاسهای برگزار میکنیم که نیاز به گرامر نداره ... در کلاسهای ما بدون کتاب و تمرین زبان یاد بگیرید ...  
در کلاسهای ما نیازی به نوشتن ندارید ... در کلاسهای ما از همون جلسه اول مکالمه انگلیسی میکنیم ...  
در کلاسهای ما از طریق فیلم زبان یاد میگیریم...  
در کلاسهای ما گرامر نداریم چون مگر بچه بودیم فارسی را بدون گرامر یاد گرفتیم!!!

چرا تبلیغات اینچنینی رو زیاد میشنویم و میبینیم؟ چون آموزشگاه ها و مدرسین زبان میدونن که هدف شما مکالمه هست و کلاسهای خودشون رو طوری تبلیغ میکنن که شمایی که هدفتون مکالمه هست رو جذب کنن. اما ای کاش به جای اینکه صرفا به دنبال منفعت خودشون بودن راهنمای زبان دوستان بودن تا وضعیت زبان در ایران اینطور بد نبود!

برای پی بردن به عمق فاجعه فکر کنید آموزشگاه هایی وجود داشتن که تبلیغ میکردن که بدون اینکه ریاضی بلد باشی کاری میکنیم که بهترین معمار بشی! بدون اینکه آناتومی بدن رو یاد بگیري کمکت میکنیم که جراح بشی... فکر میکنید نتیجه موفقى هم میتونست از این آموزشگاه ها بیرون بیاد؟

این حرفا رو نمیزنم که همکاران و آموزشگاه های زبان رو بکوبم ولی هدفم آگاهی شخص شماست که دوست دارید توی مسیر درست قدم بردارید. چون حتی اگر من این حرفا رو زنم شما خودتون این تجربیات رو چند سال بعدتر بدست خواهید آورد و ماه ها یا سالهای زیادی رو از دست خواهید داد چون در مسیر نادرست قدم برمیدارید.

مسیر درست اینه که اول اصول زبان انگلیسی رو یاد بگیرید که به اونها گرامر گفته میشه. شاید گرامر به نظرتون سخت یا خشک یا خسته کننده بیاد ولی نمیتونید از اصول بگذرید و اونها رو نادیده بگیرید. اگر اصول زبان انگلیسی رو یاد نگیرید از اصول زبان فارسی برای مکالمه انگلیسی استفاده خواهید کرد. یعنی **با کلمات انگلیسی فارسی صحبت میکنید.**

اگه با خودتون میگرد که ما که برای فارسی از گرامر استفاده نمیکنیم. باید بهتون بگم که اشتباه میکنید. الان که شما این جملات رو میخوانید و متوجه میشید یعنی هر دو نفر ما از یک سری اصول داریم پیروی میکنیم. بخاطر این شما میتونید این جملات رو درک کنید. اما اگر من اصول جمله سازی فارسی رو رعایت نکنم چه اتفاقی میفته؟

درک شما خواهد نکردند و فردا از کلاسی رفتند می خواست نتوانم.

متوجه منظور جمله بالا شدید؟ اگر اصول جمله سازی رعایت نشه توی فارسی ما نمیتونیم منظور هم رو متوجه بشیم. در حقیقت ما از گرامر نوشتاری و رسمی توی مکالمه فارسی خودمون استفاده نمیکنیم ولی اصولی رو رعایت میکنیم که بتونیم حرف همدیگه رو متوجه بشیم. اما اصلا چرا ما باید به فارسی توجه کنیم و بگیریم چون ما توی فارسی اصول نوشتاری یا گرامر نوشتاری رو رعایت نمیکنیم پس توی زبان انگلیسی هم باید همینطور باشه!؟؟؟

انگلیسی یک زبان کاملا متفاوت از فارسی هست با قواعد کاملا متفاوت از فارسی پس این مقایسه کاملا اشتباه هست و نباید اینطوری فکر کرد. در زبان انگلیسی قواعد جمله سازی در نوشتار و



گفتار یکی هست و البته ساختارهایی هم هستن که انحصارا مخصوص مکالمه هستند ولی کلیت ساختار زبانی بسیار سفت و سخت و غیر قابل تغییر هست. برعکس فارسی که ساختار زیادی در مکالمه نیست و میتونیم به راحتی جای کلمات رو تغییر بدیم بدون اینکه تغییری در معنی رخ بده.

من این موبایله رو از مغازه روبرویی خریدم.  
این موبایله رو از مغازه روبرویی خریدم.  
از مغازه روبرویی این موبایله رو خریدم.  
این موبایله رو خریدم از مغازه روبرویی.  
خریدم این موبایله رو از مغازه روبرویی.  
مغازه روبرویی هست؟ موبایله رو از اونجا خریدم.

جمله سازی توی فارسی مثل یک مایع میمونه که کلمات توش آزاد هستن هر شکلی به خودشون بگیرن و مخاطب هم به راحتی میتونه مطلب رو درک کنه اما توی انگلیسی؟

I bought this smartphone from the shop across from  
.us

عملا نمیتونیم دستی ببریم توی جمله بالا و جای کلمات رو آزادانه تغییر بدیم. پس میبینید که اصول جمله سازی فارسی توی انگلیسی کاربردی ندارن پس باید اصول جمله سازی زبان انگلیسی رو یاد بگیریم تا بتونیم جمله انگلیسی بسازیم. پس چه خواهیم چه نخواهیم باید گرامر انگلیسی رو بصورت کامل یاد بگیریم و بعدش بریم سراغ استفاده از اون در مکالمه.

عجله نداشته باشید که به محض یادگیری شروع کنید به مکالمه کردن اونها بلکه اجازه بدید به تسلط کاملی در گرامر انگلیسی برسید تا بتونید همه چیز رو استفاده کنید.

بازم از مثال جراح استفاده میکنم. یک جراح تنها زمانی میتونه کاملا موفق بشه که تسلط بی نقصی به دانش پزشکی و دارو و آناتومی و ... داشته باشه. اگه یک جراح دانش کامل نداشته باشه ممکنه خطایی مرتکب بشه که باعث مرگ مریض بشه.

پس نتیجه میگیریم که ابتدا گرامر رو بصورت کامل باید یاد بگیرید و زمانی که تسلط خوبی به گرامر پیدا کردید وقت اینه که در کلاسهای مکالمه ثبت نام کنید تا بتونید از اون گرامر ها در مکالمه صحیح انگلیسی استفاده کنید و مهارت مکالمه خودتون رو تقویت کنید.

## قدم چهارم: ثبت نام

به قسمتی از ماجرا میرسیم که خیلیا اون رو عقب میندازن و عقب میندازن و عقب میندازن تا بالاخره انگیزه شون رو از دست بدن و کلا یادگیری زبان رو فراموش کنن: **ثبت نام**

شاید در دفاع از خودتون بگید که خب میخام که بهترین آموزشگاه یا استاد رو انتخاب کنم برای یادگیری. اما باید بهتون بگم که ثبت نام توی یک کلاس زبان مثل خرید خونه یا خرید ماشین یا ... نیست که سلیقه توی اون مطرح باشه. شاید بگید سلیقه نیست ولی شما بعنوان زبان آموزی که تازه قصد یادگیری زبان دارید آیا معیار مناسب برای سنجش کیفیت یک استاد زبان انگلیسی با تجربه یا یک آموزشگاه حرفه ای رو دارید؟ اگر جواب بله هست که پس خودتون یه پا استاد زبان هستید و نیازی به کلاس ندارید و اگر جواب نه هست پس دارید سلیقه ای عمل میکنید.

با خودتون رو راست باشید چون دستتون به من نمیرسه که از خودتون بخواهید دفاع کنید پس قبول کنید که نباید سلیقه رو دخیل کنید. البته که اینو نمیگم که کورکورانه ثبت نام کنید. حتما باید تحقیق کنید ولی سریع اینکار رو انجام بدید تا انگیزه خودتون رو از دست ندید.

در ادامه بهتون میگم که چه نکاتی رو مد نظر داشته باشید تا بتونید بهترین کلاس رو برای یادگیری زبان انتخاب کنید.

### به اسم آموزشگاه توجه نکنید.

اسم و رسم آموزشگاه برای شما کیفیت نمایاره بلکه استادی که کلاس شما رو تدریس میکنه خیلی مهم تر هست. درسته که آموزشگاه های معتبر پروسه سخت گیرانه تری نسبت به استخدام مدرس زبان دارن اما برای ترم های پایین تر اونقدر هم سخت گیر نیستن و دیده شده که بعضی آموزشگاه های کوچک بعضا اساتید بسیار مجرب تر و بهتر نسبت به آموزشگاه های بزرگتر دارن. پس گول برند و تبلیغات و تعداد فالوور اینستاگرام و .. رو نخورید و اسم آموزشگاه رو از لیست معیارهاتون خط بزینید.

### دنبال تضمین نباشید.

وقتی میرید جایی ثبت نام کنید دنبال تضمین نباشید. چون کسی نمیتونه تضمین کنه که شما بتونید زبان رو یاد بگیرید. بجای این پرسید که مثلا چه مقدار خودتون باید وقت برای تمرین در خارج از کلاس بگذارید. پرسید که چه تعداد ترم وجود داره تا بتونید برنامه ریزی کنید که بتونید در تمام ترم ها ثبت نام کنید و کلاس رو نیمه کاره رها نکنید. سوالاتی پرسید که بدونید **خودتون** چه کارهایی باید انجام بدید.

### برای مدرس تعیین تکلیف نکنید!

این قضیه بیشتر برای کلاسهای خصوصی صادق هست که زبان آموز میره پیش یک مدرس زبان برای کلاس خصوصی و خود زبان آموز برنامه ریزی انجام میده و منابع رو انتخاب میکنه و ...

زبان آموزی پیش من اومده بودن برای مشاوره کلاس خصوصی و میگفتن من فلان کتاب رو دوست دارم باهام کار کنید. یا مثلا توی این روز برام کلاس بزارید و بعدش تکلیف نمیتونم انجام بدم و ... وقتی که بهشون گفتم که من نمیتونم براشون همچین کلاس برگزار کنم خیلی شوکه شده بودن و میگفتن خب کلاس خصوصی همینه دیگه!

کلاس چه خصوصی باشه چه گروهی این مدرس هست که باید برنامه ریزی کنه که چه منبعی استفاده کنه و چطور تمرین بخاد و ... و شما نباید توی کار مدرس دخالت کنید چون اولاً بی احترامی به اون استاد هست و دوماً با اینکار شما خودتون به نتیجه نمیرسید. تفاوت کلاس خصوصی با کلاس گروهی فقط در اینه که در کلاس خصوصی کل وقت کلاس به شخص شما اختصاص داده میشه و باعث میشه یک جلسه بار آموزشی بیشتری داشته باشه برعکس کلاس عمومی که وقت کلاس بین چندین نفر تقسیم میشه. کلاس خصوصی برای این نیست که به سلیقه زبان آموز کارها انجام بشه.

## فصل سوم: انواع کلاسهای زبان انگلیسی

در فصل قبلی متوجه شدید که کلاسهای مختلف برای افراد مختلف جامعه طراحی شدن و هیچ کدوم نسبت به دیگری برتری نداره ولی اگر شما کلاسی شرکت کنید که به اخلاقیات و سبک زندگی شما شباهت بیشتری داشته باشه پس شانس موفقیت شما بیشتر خواهد شد. در این قسمت میریم سراغ انواع کلاسها و اینکه هر کدوم برای چه دسته از افراد مناسب یا نامناسب میتونن باشن.

### کلاس حضوری گروهی

معمول ترین شکل برگزاری کلاسهای زبان کلاسهای گروهی هست که معمولا بین ۴ الی ۲۰ نفر کلاسهای خوبی میتونن باشن و بیشتر از اون کلاسهای با کیفیتی نمیتونن باشن و باید ازشون دوری کنید. این کلاسها معمولا شهریه پایین دارن که اونها رو گزینه جذابی میکنه برای اکثریت افراد جامعه.

### کلاس حضوری گروهی برای چه افرادی مناسب هست؟

مناسب افراد با سطح زبان بالا  
مناسب افراد با اعتماد به نفس بالا  
مناسب افرادی که رقابت کردن رو دوست دارن  
مناسب افرادی که عجله ای برای یادگیری ندارن  
مناسب افرادی که هزینه بالایی نمیخان صرف کنن

## کلاس حضوری گروهی برای چه افرادی نامناسب هست؟

نامناسب زبان آموزان با اعتماد به نفس پایین  
نامناسب زبان آموزان خجالتی و کم رو  
نامناسب زبان آموزان با پایه ضعیف تر  
نامناسب زبان آموزان با سن بالاتر از ۵۰  
نامناسب کسانی که کار شیفته دارند  
نامناسب کسانی که قصد یادگیری سریع زبان دارند

## کلاس حضوری خصوصی

کلاس خصوصی چه بصورت حضوری و چه بصورت آنلاین هیچ فرقی ندارند و اگر از من می‌شنوید در صورت امکان حتما بصورت آنلاین شرکت کنید تا وقت برای رفت و آمد تلف نکنید. کلاس های خصوصی برای یک نفر یا در نهایت ۲ نفر برگزار میشه. مزیت این کلاس به این هست که تمام زمان کلاس برای شما برنامه ریزی میشه و هیچ مطلبی رو از دست نمیدید. این کلاسها معمولا هزینه بالاتری رو در دارن اما راندمان آموزشی این کلاسها بسیار بالاتر از کلاس گروهی هست و در مدت کمتری میتونید دوره رو تکمیل کنید.

### کلاس خصوصی مناسب چه افرادی هست؟

مناسب زبان آموزان با اعتماد به نفس پایین  
مناسب زبان آموزان در سنین بالاتر  
مناسب زبان آموزان بسیار ضعیف  
مناسب زبان آموزان خجالتی و کم رو  
مناسب زبان آموزانی که با انگیزه میخان از ابتدا تا انتهای دوره رو پیش برن

### کلاس خصوصی مناسب چه افرادی نیست؟

نامناسب برای کسانی که دوست دارن در جمع آموزش ببینن  
نامناسب برای کسانی که قادر به پرداخت هزینه های سنگین کلاس خصوصی رو ندارند.



## کلاس آنلاین گروهی

کلاسهای آنلاین گروهی متأسفانه راندمان بسیار پایین رو دارن ولی دلیل سبک برگزاری کلاس نیست بلکه مشکل اصلی آموزشگاه هایی هستن که کلاسهای خودشون رو برای برگزاری آنلاین بهینه سازی نکردن.

### کلاس آنلاین گروهی برای چه افرادی مناسب هست؟

مناسب زبان دوستانی که در شهرها و روستاهایی زندگی میکنن که دسترسی به کلاسهای با کیفیت بالا رو ندارن.  
مناسب زبان دوستانی که مشغله زیاد دارن.  
مناسب زبان دوستانی که بیرون کلاس هم میتونن تمرین داشته باشن تا جبران راندمان پایین کلاس بشه.

### کلاس آنلاین گروهی برای چه افرادی مناسب نیست؟

نامناسب برای کسانی که به دنبال کلاس مکالمه هستن.  
نامناسب برای کسانی که کیفیت بالای آموزشی براشون مهم هست.  
نامناسب برای کسانی که اهداف جدی مثل امتحانات بین المللی دارن.

## کلاس های از پیش ضبط شده

کلاسهای از پیش ضبط شده که خیلیا به اشتباه بهش میگویند کلاس آفلاین!!! کلاسهای هستند که بصورت زنده برگزار نمیشن. این کلاسها در شرایطی خاص میتونن گزینه خوبی برای آموزش باشن.

برعکس تفکر اکثریت جامعه که فکر میکنن کلاس زنده خوبه باید عرض کنم که بهترین نوع کلاس همین کلاسهای از پیش ضبط شده هست و در کل دنیا این نوع کلاس هست که رایج ترین مدل برگزاری کلاسهای آنلاین هست و نه کلاسهای زنده. البته که باید کلاسها به شکل مناسبی برنامه ریزی شده باشن و مدرس اون هم مجرب باشه چون ارایه این نوع کلاس با محتوای غنی کار هر کسی نیست.

### کلاس های از پیش ضبط شده مناسب چه افرادی هستند؟

مناسب افرادی که مشغله کاری زیاد دارن  
مناسب افرادی که زمانشون دست خودشون نیست  
مناسب افرادی که مدیریت زمان خوبی دارن  
مناسب افرادی که بدون استرس میخان یاد بگیرن

### کلاس های از پیش ضبط شده مناسب چه افرادی نیست؟

نامناسب برای کسانی که باید زور بالای سرشون باشه  
نامناسب برای کسانی که میخان تمرین مکالمه انجام بدن

## فصل چهارم: کارهایی که نباید انجام بدید.

بعد از ثبت نام در کلاس به سری کارها هستن که به هیچ عنوان نباید انجام بدید چون انجام اونها باعث لطمه وارد شدن به پروسه یادگیری شما میشه.

### خودتون رو با دیگران مقایسه نکنید.

اگر کلاس گروهی یا نیمه خصوصی میرید و همشاگردی های دیگری هم دارید، احتمال این وجود داره که خودتون رو با دیگران مقایسه کنید. مقایسه کردن البته بیشتر از طرف زبان آموزان ضعیف تر اتفاق میفته و با دیدن اینکه زبان آموزان دیگه بهتر هستن از خودتون ناامید میشن.

ناامید شدن باعث میشه که انگیزه شما کم بشه. درباره انگیزه هم صحبت کردیم و گفتیم که چقدر مهم هست. شما هیچ وقت نباید خودتون رو با دیگران مقایسه کنید چون کسانی که از شما بهتر هستن حتما بیشتر از شما کلاس رفتن و الزاما از شما سطح خیلی بالاتری ندارن. در طول کلاس هم این افراد سطح بالاتری رو از خودتون نشون میدن ولی سطح بالاتر کسی دیگه به معنی ضعیف بودن شما نیست! اتفاقا شما باید از این فرصت استفاده کنید و نه تنها از استاد بلکه از زبان آموزانی که از شما بهتر هستن هم یاد بگیرید.

## از خودتون انتظار زیاد نداشته باشید.

یکی از اشتباهات زبان آموزان اینه که انتظار غیرواقعی از خودشون پیدا میکنن و با وجود پیشرفت در کلاس همیشه ناراحت هستن و با وجود اینکه دارن پیشرفت میکنن ولی ناامید میشن و کم کم یا ضعیف میشن توی درسها یا کلا از ادامه کلاس انصراف میدن. پس این اشتباه رو نکنید و همیشه با استاد خودتون مشورت کنید و اعتماد کنید به استادتون و انتظار خودتون رو نه خیلی پایین و نه خیلی بالا ببرید بلکه به شکل استاندارد باشه.

### تجربه شخصی

---

یکی از زبان آموزان تنها بعد از ۳ جلسه از گذشتن کلاس خیلی ناراحت بودن و میگفتن که من از خودم خیلی ناراضیم و اصلا پیشرفت نمیکنم و این یعنی انتظار نادرست و نابجا.

پس شما کار خودتون رو یعنی تمرین و تمرین و تمرین رو انجام بدید و اگر پیشرفت شما مناسب نباشه این وظیفه استاد شماست که با شما صحبت کنه و یا در انتهای ترم با امتحان دادن ثابت بشه که پیشرفت نکردید.

## از منابع خارج کلاس استفاده نکنید.

رابطه بین دانشجو و استاد رو همیشه به رابطه بین بیمار و پزشک تشبیه کرد. به این شکل که بیمار با هدف خوب شدن پیش پزشک میره و پزشک یک سری دستورات خاصی رو در قالب قرص و شربت و آمپول و ... به بیمار تجویز میکنه و بعد از خارج شدن مریض از مطب وظیفه بیمار هست که دقیقا همون دستوراتی که پزشک تجویز کرده رو انجام بده تا بهبود پیدا کنه.

یک زبان آموز هم با هدف یادگیری زبان انگلیسی وارد یک کلاس میشه و مدرس اون کلاس بر اساس سیستمی که تدریس میکنه یک سری مطالب جدید رو در قالب گرامر و لغت و ... به زبان آموز تدریس میکنه و یک سری تکالیف و تمرینات مرتبط هم در نظر میگیره تا زبان آموز با انجام اونها به نتیجه یعنی یادگیری زبان انگلیسی برسه.

### حالا نکته چیه؟

اینکه بعضی از بیماران تجویز پزشک رو نادیده میگیرن یا بصورت درست اونها رو اجرا نمیکنن و نتیجه سریع هم که نمیگیرن میرن ببینن توی اینترنت چی نوشته شده. بعد اونی که خودشون خوششون میاد رو انجام میدن و نتیجه نمیگیرن و بهبود حاصل نمیشه و در آخر پزشک رو مقصر میدونن!!!!

بعضی زبان آموزان هم همین رویه رو در پیش میگیرن یعنی کارهایی که مدرس ازشون میخاد رو انجام نمیدن به درستی و عجله دارن یا انتظار پیشرفت خیلی سریعتر دارن و میرن توی اینترنت و اینستاگرام و ... میگردن ببینن چه کاری میتونن انجام بدن و نتیجه که نمیگیرن خودشون رو مقصر نمیدونن و موسسه و استاد رو مقصر جلوه میدن.

زبان آموزی سر کلاسهای من حاضر میشدن که ادعا داشتن روزانه بین ۴ الی ۶ ساعت تمرین زبان انجام میدن. مدتی از کلاس گذشت و ایشون از تمام زبان آموزان ضعیف تر شدن و در یکی از جلسات وقتی ازشون پرسیدم که توی این ۴ الی ۶ ساعت چکار میکنن، جوابشون شوکه کننده بود. هیچ کدوم از کارهایی که من ازشون میخاستم رو انجام نمیدادن بلکه از اون ۴ الی ۶ ساعت کمتر از ۲۰ دقیقه به کارهای کلاس اختصاص میدادن بعد میرفتن سراغ چیزای دیگه مثل گوش دادن اخبار و خواندن مقالات انگلیسی و ... وقتی که ازشون پرسیدم که چرا وقتشون رو تلف میکنن و کارای کلاس رو انجام نمیدن خیلی حق به جانب گفتن که شما که روی اینا کار نمیکنید پس چطور انتظار دارید ما توی خواندن مقاله و اخبار و ... پیشرفت کنیم. نتیجه عدم اعتماد ایشون این شد که بقیه بسیار پیشرفت کردن توی اون دوره ولی ایشون از همه ضعیف تر و ناامید تر.

وقتی که شما به یک آموزشگاه یا استاد زبان انگلیسی اعتماد میکنید باید خودتون رو ۱۰۰ درصد به اون شخص یا آموزشگاه بسپرید و فقط و فقط از منابعی که برای کلاس هست استفاده کنید. اگر وقت اضافه دارید و دوست دارید بیشتر تمرین کنید از استادتون راهنمایی بخواهید تا طبق سیستم و سطح خودتون بهتون بهترین پیشنهاد رو بدن.

در انگلیسی یک ضرب المثل داریم که میگه گوشت به نفر برای کسی دیگه زهر هست.

این یعنی اگر یه مدرس دیگه توی صفحه اینستاگرام یا تلگرام یا یوتوب و ... دیدید که پیشنهاداتی میدن نباید خودبخود قبول کنید. باید فقط و فقط در خدمت استاد کلاس خودتون باشید تا بتونید بهترین نتیجه رو بگیرید.

## جمله حفظ نکنید

یکی از اشتباهات بزرگ زبان آموزان که مقصر اون بعضی از مدرسین زبان هستند حفظ کردن جمله هست. اگر نیاز دارید که جمله ای پیش ساخته رو حفظ کنید پس این اثبات بر این ادعاست که خودتون قدرت و مهارت جمله ساختن از خودتون رو ندارید. پس در واقعیت جمله حفظ کردن یعنی گول زدن خودتون. یعنی بجای اینکه ریشه مشکل رو پیدا کنید کاری میکنید که مشکل دیده نشه.

تا حالا شده که برای یک مصاحبه شغلی کلی جمله فارسی حفظ کنید. یا شده که برای صحبت مهم با یه نفر کلی جمله خوب آماده کنید؟ تجربه نشون داده که توی موقعیت که قرار میگیریم ذهنمون اون سناریوهای قبلی رو استفاده نمیکنه چون ما عمری یاد گرفتیم که طبق موقعیتی که توش هستیم حرف بزنیم و واکنش نشون بدیم. بنابراین این سیستم حتی توی زبان مادری ما هم بکار نمیاد چه برسه به زبان انگلیسی.

ما هیچ وقت نمیتونیم تمام جملاتی که ممکنه از ما پرسیده بشه یا حرف هایی که زده میشه رو پیش بینی کنیم و طبق اونها جمله آماده کنیم که وقتی اونا رو بشنویم بعد مثل طوطی تکرارشون کنیم!

پس ما در واقع باید تمام تلاشمون رو کنیم که اصول جمله سازی صحیح رو یاد بگیریم و با تکرار و تمرین زیاد بتونیم مهارت خودمون رو در جمله سازی به حدی بالا ببریم که نیازی به حفظ کردن جملات نداشته باشیم.



## سر کلاس یادداشت برداری نکنید.

توی مدرسه ما رو عادت دادن به جزوه برداری از مطالبی که معلم سر کلاس مطرح میکرد که تناقض بزرگی بود. یعنی معلم میومد سر کلاس و میگفت من به این کتاب که جلتون هست اصلا کاری ندارم چون به درد نمیخوره پس خودم هر چی گفتم رو شما بنویسید و بعد حفظ کنید و بعد امتحان بدید!

بعدها ما بزرگتر شدیم و این شد عادت غلط ما برای یادگیری. غلط بخاطر اینکه اون سبک آموزش باعث شد هیچی یاد نگیریم. اون موقع برای نمره گرفتن فقط حفظ میکردیم و تمام.

برای زبان انگلیسی چطور؟ برای نمره میخونید؟ فقط قصدتون حفظ کردنه؟

اگر نه که پس از اون روش ناکارآمد هم نباید استفاده کنید.

شاید با خودتون بگید که من میخام مرور کنم اون مطالب رو و باید بهتون بگم که راه بهتری هم وجود داره. ما زمانی نیاز داشتیم که جزوه برداری کنیم که چیزی به نام گوشی تلفن همراه یا رکورد صدا و ... وجود نداشت. یعنی تنها راه برای ثبت گفته های معلم این بود که اون رو روی کاغذ بنویسیم. الان و با پیشرفت تکنولوژی شما میتونید حرف های استادتون رو ضبط کنید و خارج از کلاس مرور کنید و در صورت نیاز مطالب رو یادداشت کنید برای مرور بیشتر در آینده.

مساله ای که مشکل ساز میشه اینه که کسانی که یادداشت برداری میکنن بدون اینکه متوجه باشن خیلی از مطالب کلاس رو از دست میدن چون حواسشون به نوشتن هست. من بعنوان مدرس بارها و بارها زبان آموزانی رو که در حال یادداشت برداری کردن بودن

رو تست کردم و بیشتر از ۹۰ درصد اونها مطالبی رو که در حین نوشتن گفته شده بود رو حتی نشنیده بودن.

با ضبط کردن کلاس (البته با اجازه استاد) شما میتونید حواستون رو صد در صد به کلاس بدید و حتی سر کلاس فعال تر از دیگران باشید و یادداشت برداری رو هم اگه نیاز دونستید توی خونه انجام بدید.

## فصل پنجم: کارهایی که باید انجام بدید.

در این فصل میریم سراغ کارهایی که باید در حین کلاس رفتن انجام بدید تا پروسه یادگیری بصورت کامل و درست پیش بره.

### به مدرس زبان خودتون اعتماد داشته باشید.

مهم ترین کاری که باید بعد از ثبت نام انجام بدید اینه که به مدرس اعتماد کنید. استاد زبانی که سر کلاس شماست مطمئنا خیلی خیلی بیشتر از شما میدونه که تونسته بعنوان مدرس شروع به کار کنه. بعضی از زبان آموزان متاسفانه به مدرس اعتماد نمیکنن. برای بعضی بخاطر تجربیات تلخ قبلی هست و برای بعضی بخاطر اینکه خودشون رو برتر از مدرس کلاس میدونن و روش اون استاد رو قبول نمیکنن.

### تجربه شخصی

سر یه کلاسی به زبان آموز داشتم که هر لغتی میگفتم شروع میکرد همون لحظه توی یه دیکشنری جیبی که داشت اون رو نگاه کردن و بعد شروع به اعتراض که این کلمه که این معنی رو نمیده یا چرا این معنی دیگه رو نگفتید! وقتی دلیل این کارشون رو پرسیدم میگفتن که دانشجو باید کریتیکال باشه و هر چیزی رو نپذیره! این زبان آموز نه تنها خودش چیزی سر کلاس یاد نمیگرفت بلکه بقیه زبان آموزان رو هم دچار شک و شبهه میکرد و به ناچار عذر ایشون رو خواستیم تا صدمه بیشتری به یادگیری زبان آموزان نزنن.

این درسته که باید همه چیز رو چک کرد ولی نه سر کلاس و در حضور مدرس بلکه باید برید منزل و همه چیز رو چک کنید و به شکل اصولی نه مثل این زبان آموزان بالا.

## بصورت منظم در کلاس شرکت کنید

وقتی در کلاسی ثبت نام کردید خیلی مهمه که بصورت منظم در کلاس شرکت کنید. یعنی باید سعی کنید که کلاس زبانتون اولویت اصلی شما قرار بگیره و بخاطرش از خیلی چیزای دیگه بگذرید. یعنی اگه یه جایی مهمونی دعوت هستید معذرت خواهی کنید و بگید که دیر میرسید چون کلاس دارید. اگه مسافرت میخواید برید سعی کنید طوری تنظیم کنید که تداخلی با جلسات کلاس شما نداشته باشه. شاید براتون عجیب به نظر برسه که چرا اینقدر تاکید دارم روی نظم. دلیلش هم خیلی مهمه: ۵۰ درصد پیشرفت شما وابسته به منظم شرکت کردن در کلاس ها هست.

طبق تجربه برگزاری صدها کلاس و کار کردن با هزاران زبان آموز میتونم به شدت تاکید کنم که زبان آموزی که منظم توی کلاسها شرکت میکنه میتونه ۵۰ درصد تضمین کنه که انگیزش کم نمیشه و میتونه تا انتهای دوره پیش بره و ۵۰ درصد دیگه برمیگرده به سیستم آموزشی و تمرین و ...

بخاطر همین خیلی مهمه که قبل از ثبت نام حتما مطمئن باشید که در اون زمان که برای کلاس انتخاب کردید هیچ کار دیگه ای ندارید و کاری هم احتمالا پیش نیامد که بخاد مانع شرکت شما در کلاس بشه.

اگر سر کار میرید طوری کلاستون رو تنظیم کنید که مستقیم بعد از پایان کار به کلاس برید. اما اگر فاصله کار تا کلاستون زیاد بشه و مجبور بشید اول به خونه برید احتمال اینکه تنبلی بهتون غلبه کنه خیلی بیشتری میشه و با خودتون میگرد خب حالا به جلسه نرم طوری همیشه!

ممکنه که با به جلسه طوری نشه ولی مطمئن باشید که به یک جلسه ختم نمیشه این ماجرا و مجددا تکرار میشه تا زمانی که حس کنید که از کلاس عقب افتادید و ذهنتون هزاران دلیل بیشتر میاره که نزاره که کلاس خودتون رو ادامه بدید.

عادت سازی کردن کلاس مهم ترین کاریه که باید انجام بدید و اگر بتونید به مدت ۲ ماه منظم سر کلاستون حاضر بشید بعدش عادت میکنید که اون زمان باید حتما سر کلاستون باشید. بخاطر این سعی کنید فقط ۲ ماه کلاستون اولویت اصلی شما بشه و بخاطر کلاستون هر چیز دیگه ای رو کنسل کنید تا این عادت شکل بگیره. بعدش میبینید که نظم زندگیتون طوری میشه که هیچی با کلاستون تداخل پیدا نمیکنه.

شاید با خودتون بگید که غیرممکنه که هیچی با کلاسم تداخل پیدا نکنه و حق دارید چون الان عادت های دیگری دارید که با زمانی که مد نظرتون هست تداخل پیدا میکنن. پس باید به سری عادت های قبلی ترک بشن که این عادت جدید جایگزین بشه و توی لیست کارهای روزانه شما هم باید در اولویت قرار بگیره تا هیچی نتونه جاش رو بگیره.

## بصورت منظم تمرین انجام بدید

فقط شرکت کردن منظم در کلاس نیست که باعث پیشرفت شما همیشه بلکه انجام منظم تمرینات هم باعث پیشرفت شما میشه. نظم رو ما در همه جا میبینیم و شاهد موفقیت آدم های منظم هم هستیم. همیشه شاهد این هستیم که باشگاه های فوتبال برنامه خاصی برای فوتبالیست ها دارن که به موقع سر تمرین حاضر بشن، به موقع بخوابن، به موقع استراحت کنن و ... و تیم های فوتبالی که نظم بیشتری دارن موفق تر از تیم های دیگه هستن. همین نظم رو در کسب و کارها میتونیم ببینیم. کسب و کارهایی که منظم تر کار میکنن همیشه موفق تر هستن و برعکس کسب و کارهایی که نظم ندارن محکوم به شکست میشن.

متأسفانه اهمیت نظم رو خیلی از زبان آموزان فراموش میکنن و پیشرفت یا عدم پیشرفت خودشون رو به استاد و آموزشگاه و کلاس و کتاب و همه چیز نسبت میدن و هیچ وقت به این قضیه فکر نمیکنن که شاید مقداری از پیشرفت یا عدم پیشرفت اونها بخاطر منظم بودن یا منظم نبودن در تمرین کردن بوده.

### تجربه شخصی

یک زبان آموز گله میکرد که من با اینکه کلی وقت میزارم و تمرین میکنم اما پیشرفت نمیکنم و ایشون ادعا میکردن که هفته ای ۸ الی ۱۰ ساعت روی زبان وقت میزارن و قسم میخورن که این وقت رو میزارن ولی نتیجه نمیگیرن. وقتی ازشون پرسیدم که هفته گذشته چطور تمرین کردن متوجه شدم که مثلاً ۳۰ دقیقه روز شنبه تمرین کردن و یکشنبه و دوشنبه و سه شنبه و چهارشنبه تمرین نداشتن و بعد روز پنجشنبه ۹ ساعت وقت گذاشتن روی انجام تمرینات.

این تمرین نامنظم متاسفانه هیچ تاثیری روی زبان این زبان آموز نداشت و کاملاً هم طبیعی هست. اگر فکر میکنید طبیعی نیست این رو در قالب یک مثال دیگه بهترتون بگم:

بیماری رو میشناسم که گله میکرد که داروهای خودش رو مصرف میکنه ولی تاثیری روی سلامتی ایشون نداره و وقتی ازشون پرسیدم که چطور داروها رو مصرف میکنن متوجه شدم که یک سری رو صبح مصرف میکنن و بعد فراموش میکنن که ظهر مصرف کنن و شب ۲ تا رو با هم مصرف میکنن و یکی دو روز کلاً داروها رو مصرف نمیکنن ولی بعد چند روز همه قرص ها رو با هم مصرف میکنن.

مثال دارو دقیقاً مثل مثال تمرین زبان هست ولی چطور عدم تاثیرگذاری دارو رو وقتی که بصورت نامنظم مصرف میشه رو درک میکنید ولی باور نمیکنید که تمرین نامنظم زبان تاثیر روی یادگیری نداشته باشه؟

حالا امیدوارم بهترتون ثابت شده باشه که نظم در انجام تمرینات چقدر مهمه و بتونید برنامه ریزی منظم و محکمی داشته باشید تا بتونید تمرینات خودتون رو منظم انجام بدید.

در قسمت بعدی براتون میگم که چقدر باید برای تمرین زبان وقت بزارید.

## به اندازه کافی وقت برای تمرین اختصاص بدید

حالا که میدونید که نظم در انجام تمرینات مهمه بریم سراغ اینکه چه مدت باید تمرین کنیم و اینکه چه زمانی از روز بهتره تمرینات زبان خودمون رو انجام بدیم.

اول اینکه باید زمانی در روز رو بصورت ثابت برای تمرینات خودتون کنار بزارید و بهش متعهد باشید. با خودتون فکر کنید که چه زمانی از روز انرژی بیشتری دارید و یادگیری شما در اون زمان بهتر هست. بعضی ها صبح ها بهتر یاد میگیرن. بعضی ها عصرها و بعضی هم در سکوت شب وقتی همه خواب باشن. پس این قضیه کاملا شخصی هست و برای افراد مختلف متفاوت هست.

دومین نکته اینه که باید حداقل ۱ ساعت زمان در روز رو بتونید اختصاص بدید به تمرین زبان.

اگه فکر میکنید که این زمان برای یادگیری کم هست کاملا در اشتباهید. من از خیلیا شنیدم که فکر میکنن که برای یادگیری زبان باید از کارشون استعفا بدن یا نیمه وقت کار کنن که یک باور اشتباه هست.

### تاثیر اثر مرکب روی زبان شما

اگر درباره اثر مرکب نشنیدید، توضیح ساده اون اینه که هر چیزی با گذر زمان و نظم قوی تر میشه. در واقع اثر یک ساعت در روز تمرین کردن بصورت منظم به مرور زمان بیشتر میشه. یعنی اگر شما امروز یک ساعت وقت صرف تمرین زبان کنید مثلا ۵ درصد تاثیر داره روی یادگیری شما ولی ۶ ماه اگر منظم روزانه ۱ ساعت وقت بگذارید تاثیر اون ۱ ساعت تمرین به ۷۰ درصد میرسه.



شاید باور نکنید ولی نمونه های زیادی دور و بر خودمون میبینیم که اثر مرکب هستند. مثلاً به بچه رو به شما میدن که توی بغلتون نگه دارید و بعد از ۴ ۵ دقیقه خسته میشید ولی مادر همون بچه چند ساعت هم اگر بچه بغلش باشه خسته نمیشه چون همونطور که وزن کودک بالاتر رفته قدرت مادر هم بالاتر رفته بخاطر اثر مرکب. پس اگر منظم کم کم تمرین کنید حتی به مقدار کم نیازی به استعفا از کارتتون ندارید و نیازی به هیچ تغییری در سبک زندگیتون حتی ندارید. تنها یک ساعت بصورت منظم تمرین میکنید و نتیجه رو بعد از مدتی خواهید دید.

## تلفظ صحیح کلمات رو یاد بگیرید

بعضی زبان آموزان اینقدر روی معنی کلمه تمرکز میکنند که اصلاً یادشون میره که چیز مهمتری هم وجود داره و اونم تلفظ صحیح کلمات هست.

بله تلفظ کلمه از معنی کلمه مهمتر هست و این چیزیه که به شما گفته نشده و دلیل اصلی ضعف در listening و همچنین مکالمه همین عدم تلفظ صحیح کلمات هست.

الان به لطف گوشی های تلفن همراه و اینترنت دسترسی به اطلاعات مثل آب خوردن هست و تلفظ لغات هم مستثنی نیست. از این به بعد هر زمانی که یک لغت جدید یاد میگیرید اول اون رو داخل سایت [www.howjsay.com](http://www.howjsay.com) تایپ کنید و انواع تلفظ های مختلف اون رو بشنوید. فقط شنیدن کافی نیست بلکه باید چند بار بصورت بلند کلمه رو تکرار کنید تا زبونتون هم بچرخه که کلمه رو درست تلفظ کنید.

اگر تلفظ کلمه ای براتون سخت بود نباید کمتر تلاش کنید بلکه باید بیشتر تلاش کنید. دقت کنید که حتما بشنوید و تکرار کنید و دوباره بشنوید و تکرار کنید. اینطوری مطمئن میشید که چیز اشتباهی رو تکرار نمیکنید. تا زمانی این عمل رو انجام بدید که بتونید ۵ بار یک کلمه رو بدون اشتباه بلند تلفظ کنید.

## لغت رو بصورت طبیعی یاد بگیرید.

حفظ کردن لغت راه درستی نیست چون امروز حفظ میکنید و فردا یادتون میره. بجای حفظ کردن لغت باید سعی کنید که تا اونجایی که میتونید از طریق منابع طبیعی لغت دریافت کنید مثلا با دیدن فیلم یا گوش دادن به پادکست یا خوندن مجله. البته که این کارها شاید برای زبان آموزان سطوح پایین تر کمی مشکل تر باشه و بیشتر مناسب زبان آموزان سطح بالاتر از مبتدی هست.

اگر سطح شما مبتدی هست بهترین راه براتون اینه که کتابی به نام **دیکشنری تصویری آکسفورد** رو تهیه کنید و لغات رو بصورت تصویری یاد بگیرید. اینطوری معنا یا کاربرد اون کلمات بهتر توی ذهنتون میمونه و با استفاده کردن اون کلمات داخل جملات میتونید همزمان هم جمله سازی خودتون رو بهتر کنید و هم از لحاظ لغتی پیشرفت کنید. همراه این کتاب یک سی دی تلفظ کلمات هم موجود هست تا بتونید تلفظ صحیح کلمات رو هم یاد بگیرید.

اگر سطح شما بالاتر از سطح مبتدی هست و دلتون میخاد با کتاب سطح لغت خودتون رو بالا ببرید حتما با استاد کلاس خودتون مشورت کنید تا طبق سیستم تدریسی بهترین کتاب برای شما رو بهتون معرفی کنه. اینطوری ۲ نکته مهمی که قبلا بهتون گفتم یعنی **اعتماد به مدرس** رو تمرین میکنید و همچنین از **منابع نامناسب** استفاده نمیکنید.

من از سال ۱۳۸۴ در حال تدریس زبان انگلیسی هستم. قبل از شروع تدریس زبان هم ۲ سال در حال زبان آموزی بودم و تا حالا توی عمر خودم حتی یک کتاب لغت رو هم نخوندم و حتی یک لغت رو هم حفظ نکردم و از لحاظ دایره واژگان هیچ مشکلی رو ندارم ولی توی کلاسها میبینم که اکثرا یا معنی اشتباه لغت رو میدونن یا تلفظ درست رو نمیدونن یا جای استفاده از اون رو نمیدونن و دلیلش همین کتاب و حفظ کردن لغت به لغت کلمات هست که باعث اشتباه میشه.

## فصل ششم: بعد از پایان کلاس زبان

هیچ کس نمیتونه جواب بده که طول استاندارد و کلاس و دوره زبان چقدر باید باشه. هر آموزشگاهی طبق سیستم آموزشی خودش یک برآورد خاص خودش رو داره. یک آموزشگاه دوره مبتدی تا پیشرفته رو ۲ سال تعریف میکنه و یک آموزشگاه ۵ سال از شما میخاد که کلاسها رو پیش ببرید. به هر حال نکته مهم اینه که بعد از پایان دوره کلاس رفتن، قرار نیست که پرونده یادگیری و پیشرفت در زبان بسته بشه. اتفاقا کارهایی که باید بعد از پایان دوره انجام بدید تاثیر بسیار بیشتری در پیشرفت و تکمیل زبان انگلیسی شما داره. در این فصل بهتون توصیه هایی رو ارایه میدم که متوجه بشید که بعد از پایان دوره باید چکار کنید.

### بعد از پایان دوره باید چکار کنم؟

اگر شما بتونید که دوره ای که در اون ثبت نام کردید رو کامل کنید باید بهتون تبریک بگم چون کمتر از ۱۰ درصد از زبان آموزان انگیزه و برنامه ریزی و قدرت این رو دارن که بتونن این کار رو انجام بدن.

اگر هم نتونستید به هر دلیلی دوره ای که در اون ثبت نام کردید رو کامل کنید اصلا مشکلی نیستید و میتونید دوباره تلاش کنید.

اما یک موضوع مهم رو میخام اینجا بهتون بگم که خیلی از افراد اون رو نمیدونن. اکثریت جامعه فکر میکنن که تکمیل دوره های زبان به معنی **پایان پروسه یادگیری** هست که کاملا غلطه و اتفاقا شروع همه چیز برای شماست.

یک پزشک بعد از فارغ التحصیل شدن هست که تازه میتونه از دانش و مهارتی که در سالیان تحصیل کسب کرده استفاده کنه. یک مهندس ساختمان بعد از تکمیل درسهای دانشگاه و گرفتن مدرک هست که تازه شروع میکنه به ساخت و ساز.

آیا دکتر سمیعی روزی که فارغ التحصیل شدن یکی از بزرگترین پزشکان دنیا بود؟ خیر. دکتر سمیعی روزی که فارغ التحصیل شدن یک دانشجوی معمولی بودن که در طول سالیان مهارت خودشون رو اونقدر بالا بردن که امروز به این سطح از پزشکی رسیدن. آیا یک مهندس معروف امروز در دنیا به محض تکمیل درسهای دانشگاه موفق شد؟ خیر سالها تلاش کرد و مهارت و تجربه اندوخت تا به جایگاه فعلی خودش برسه.

ما این مثالها رو قبول داریم ولی به زبان انگلیسی که میرسیم انتظار داریم که روز آخر کلاس بهترین ورژن زبان خودمون رو داشته باشیم. وقتی که کلاسهای شما تکمیل میشه به این معنی هست که از این به بعد خودتون باید شروع کنید و از این دانش استفاده کنید تا به مهارت و تجربه و اعتماد به نفس برسید.

تقریبا ۹۹.۹ درصد از زبان آموزان به این نکته واقف نیستن چون متأسفانه بهشون گفته نشده و به همین خاطر سرخورده میشن و زبان و آموزش رو کاملا میزارن کنار.

پس این رو بدونید که بعد از اینکه کلاسهای شما تمام شد حالا شما خودتون باید شروع کنید به زحمت کشیدن به تنهایی تا هر روز بهتر از دیروز بشید.

## گرفتن مدرک زبان

خیلیا به اشتباه فکر میکنند که مدرک زبان مثل مدارک دانشگاهی هست و داشتن اون یک مزیت خاص داره و بخاطر همین بعد از یادگیری دوره های عمومی زبان انگلیسی میخان که یک مدرک هم بگیرن. خیلیا به اشتباه میرن سراغ موسسات زبانی که قول مدرک بهشون میدن!

همونطور که برای بعضی کارها ازتون مدرک پزشکی میخان تا ثابت بشه که شما مثلا مشکل خاصی در بدنتون ندارید، برای بعضی چیزها مثل مهاجرت یا تحصیل یا کار ممکنه که نیاز به اثبات دانش و مهارت انگلیسی خودتون داشته باشید. گرفتن مدرک زبان وقتی که جایی اون رو از شما نخواسته مثل این هست که برید پیش دکتر و گواهی سلامتی بگیرید و توی خونه نگه دارید.

در واقع مدارک زبان انگلیسی نوعی گواهی محسوب میشن که باید اون رو برای اثبات دانش و مهارت انگلیسی به جایی ارایه بدید و این نوع مدارک فاقد ارزش دیگری هستن. مدارک معتبر زبان اصلا از طریق موسسات صادر نمیشن و هیچ جا هم اعتبار ندارن چون توی موسسات تنها چیزی که مینویسن مدت زمان شرکت شما در کلاس هست یعنی روی مدرک نوشته گواهی میشود که آقا/خانم ... به مدت ۸۰ ساعت دوره در آموزشگاه ... گذرانده. یا مثلا اسم دوره ای رو میزارن که هیچ جا نمیدونن که چه معنی داره مثلا آقا/خانم ... موفقیت به گذراندن دوره A4 شدن. هیچ گواهی این چنینی هیچ اعتباری رو ندارن پس وقتتون رو نباید تلف این نوع مدارک کنید. مدارک معتبر مثل آیلتس یا تافل هم در واقع گواهی هستن یعنی فقط زمانی اعتبار دارن که شما باید اونها رو به یک دانشگاه یا کشوری که قصد مهاجرت دارید ارایه کنید که اعتبار این مدارک هم

فقط ۲ سال هست. البته مدارک جدیدی هم در چندین سال اخیر اومدن که اعتبار همیشگی دارن ولی همونطور که میدونید زبان کاملا فرار هست و مدرکی که ۱۰ سال پیش گرفته باشید امروز هیچ اعتباری نداره.



## فیلم انگلیسی ببینید

دیدن فیلم و سریال های به زبان انگلیسی هم در حین کلاس رفتن و هم بعد از پایان دوره ضروری هست. حتی اگر می‌گید که من فیلم دوست ندارم، بازم مجبورید که به این یک مورد تن بدید و دلیلش هم اینه که شما باید ذهنتون درگیر زبان انگلیسی بمونه و یکی از بهترین اون راه ها دیدن فیلم هست.

اما اشتباه بزرگی که دیدم که خیلیا مرتکب میشن دیدن فیلم با زیرنویس فارسی هست!!!  
شما این همه کلاس نمیرید که آخرش فیلم با زیرنویس فارسی ببینید!!!

وقتی که به کسی اینو میگم، بهم میگن خب من که همه چیز رو متوجه نمیشم! و این یک بهانه فوق العاده بد هست. قرار نیست شما همه چیز رو متوجه بشید از روز اول. شما روز اول یک مقدار کم متوجه میشید بعد این مقدار بیشتر میشه و همینطور الی آخر.

### راه درست فیلم دیدن چیه؟

روش درست دیدن فیلم اینه که باید فیلم رو با زیرنویس انگلیسی ببینید. البته که افراد نظرات مختلف راجع به این موضوع دارن و بعضی اساتید توصیه شون این هست که باید فیلم رو بدون زیر نویس ببینید. اما دیدن فیلم بدون زیرنویس برای شمایی که قصد تقویت زبان خودتون رو دارید عملا وقت تلف کردن هست چون حجم مطلب زیادی رو از دست میدید اما با دیدن زیرنویس اولاً درکتون بالاتر میره، دوماً با شکل نوشتاری کلماتی که میشنوید آشنا میشید و در نهایت با تمرکز بیشتری میتونید فیلم رو دنبال کنید .

## پادکست گوش بدید

پادکست گوش دادن یکی از بهترین راه های درگیر نگه داشتن خودتون با زبان انگلیسی هست. برای گوش دادن پادکست قرار نیست که از کارای خودتون بزنید و در هر جا و مکانی میتونید به پادکست مورد علاقه خودتون گوش بدید. مثلا موقع رفت و آمد به محل کار یا مدرسه و دانشگاه. موقع قدم زدن توی پارک یا حتی موقع ورزش کردن میتونید پادکست گوش بدید.

فقط دقت کنید که قرار نیست پادکستی که گوش میدید مربوط به آموزش زبان باشه بلکه پادکستی رو گوش بدید که زبان اصلی اون انگلیسی باشه ولی مربوط به موضوعی باشه که شما دوست دارید. اگر علاقه مند به موسیقی هستید پادکست هایی رو گوش بدید که درباره موسیقی صحبت میکنن. اگر به عکاسی علاقه دارید پادکستی رو پیدا کنید که به این موضوع میپردازن. اگر به تاریخ علاقه دارید همینطور.

وقتی موضوع مورد علاقه خودتون رو انتخاب میکنید با جدیت و علاقه بیشتری اون موضوعات رو دنبال میکنید و بصورت مستقیم اون موضوع رو یاد میگیرید و بصورت غیرمستقیم زبان انگلیسی شما تقویت میشه.

اگر تا اینجای دفترچه راهنمای یادگیری زبان انگلیسی رو با دقت خوندید بهتون تبریک میگم چون الان راه و رسم یاد گرفتن زبان انگلیسی رو میدونید. حتی اگر در گذشته اشتباهاتی رو نادانسته و ناخواسته مرتکب شدید که باعث عقب موندن شما از پیشرفت در زبان شده هیچ مساله ای نیست. حالا که راه درست رو میدونید وقت جبران اون اشتباهات گذشته هست.

در نظر داشته باشید یادگیری اصولی سلیقه ای نیست. شاید گفته های من در اینجا با سلیقه شما متفاوت باشه اما امیدوارم که متوجه باشید که این گفته ها حاصل سالها تدریس زبان انگلیسی به هزاران زبان آموز هستن و در صورتی که همه چیز رو به همون شکلی که گفته شده انجام بدید مطمئن باشید زبان انگلیسی رو یاد میگیرید.

## ارتباط با من

مطمئنم که با خواندن **دفترچه راهنمای یادگیری زبان انگلیسی** سوالاتی براتون پیش میاد. همونطور که در نگارش این دفترچه سعی کردم کاملاً بی طرف و بدون تبلیغ دوره ها و کلاسهای خودم و بصورت کلی بهتون روش اصولی یادگیری زبان رو توضیح بدم سعی میکنم که یک مشاور بی طرف هم برای شما باشم و هر گونه سوال و مشاوره ای که نیاز دارید میتونید از طریق لینک پایین مطرح کنید و سوالات دیگران و پاسخ های من به اون سوالات رو هم بخونید.

<https://ataeionline.com/english-questions/>

این نسخه که شما خوندید ویرایش اول از دفترچه راهنمای یادگیری زبان انگلیسی هست و در آینده مطالب کتاب بر اساس سوالات و مشاوره های آینده به روز رسانی خواهند شد. نسخه جدید رو میتونید از این لینک دانلود کنید:

<https://ataeionline.com/books/>